

پودمان ۵

انسان و مدیریت خانواده

انسان و مدیریت خانواده

مقدمه

خانواده به عنوان یک نهاد و یا سازمان زنده، برای تداوم حیات خویش نیازمند توجه خاصی است. به عنوان مثال «مدیریت زمان» برای این منظور است که بتوانیم از فرصت‌هایمان حداکثر استفاده را ببریم و به ضرورت‌ها و اقدامات مربوط به آنها پردازیم، لذا به «مدیریت زمان» اصطلاحاً «برنامه‌ریزی» و یا به عبارت دیگر «مدیریت آینده» نیز گفته می‌شود.

بر همین منوال، مدیریت خانواده قابل تعریف است و منظور از آن، نوعی برنامه‌ریزی برای حفظ و مراقبت از خانواده و تدابیر مناسب برای پیشرفت و موفقیت اعضای آن است.

همان‌طور که انسان در برابر تهدیدها و مخاطرات، بیماری‌ها و حوادث، نیاز به حفظ و مراقبت دارد، خانواده هم در برابر عوامل آسیب‌زا نیاز به محافظت دارد و برای غلبه بر روزمرگی و یکنواختی، نیازمند برنامه‌ای در جهت پیشرفت و کامیابی است.

با پذیرفتن این واقعیت که مسئولیت‌ها و وظایف مربوط به خانواده، بیشتر از گذشته است، مسئولیت اصلی در جهت حفظ و مراقبت و نیز پیشرفت و موفقیت در وهله اول برعهده والدین و سپس متوجه فرزندان است و در میان والدین، نقش پدر به عنوان سرپرست خانواده، اساسی‌تر و سنگین‌تر می‌باشد و در کنار او مادر و فرزندان نیز، هر کدام به نوبه خود تلاش می‌کنند تا خانواده دستخوش مخاطرات نشود و همچنین از پیشرفت باز نایستند.

ضرورت و مدیریت خانواده

شاید برخی افراد، زمانی که از آنها پرسیده شود: «واقعاً چه ضرورتی برای مدیریت خانواده وجود دارد؟» پاسخ چندان دقیق و روشنی نداشته باشند؛ ولی زمانی که در فرصت مناسب و با تمرکز فکر به این موضوع بیندیشند، پاسخ‌هایی می‌یابند که قابل توجه است، نظیر عبارات زیر:

■ خانواده هم باید مدیر داشته باشد.

■ خانواده بدون مدیریت یعنی خانواده رها و به حال خود وانهاد.

■ خانواده بدون مدیریت یعنی بی‌هدفی در زندگی.

■ خانواده وقتی مدیریت نشود یعنی هر کس، هر جور بخواهد زندگی می‌کند.

از این‌رو، می‌توان برای مدیریت خانواده، به موارد زیر اشاره کرد که دلالت بر ضرورت آن دارد:

۱ «سعادت»

هر پدیده‌ای را که در نظر بگیریم، غایتی و هدفی برای آن وجود دارد، مثلاً غایت بذر و دانه، رویش گیاه و درخت

و غایت و هدف لباس، پوشیدن آن و غایت باران، خرمی و سرسبزی طبیعت و غایت آدمی، انسان واقعی و بااخلاق شدن است. حال اگر می‌بینیم برای هر چیزی، هدفی وجود دارد که آن چیز برای آن هدف خلق شده است، آیا خانواده می‌تواند بدون غایت و هدف باشد؟ از این‌رو، اندیشمندان معتقدند که هدف زندگی خانوادگی، سعادت یا خوشبختی است، زیرا اگر زندگی انسان به غیر از سعادت منتهی شود، جز زیان و خسران چیزی عاید او نخواهد شد. لذا دستیابی به سعادت، نیازمند سعی فراوان و تلاش بی‌وقفه است و آن هم، محتاج مدیریت و برنامه صحیح است. به عنوان مثال کسی که خواستار رسیدن به سعادت اخلاقی است، باید یک عمر در این راه مجاهدت با نفس کند تا به مقصودش نائل شود و دیگری که خواهان رسیدن به قله معرفت است، در تمامی مراحل زندگی برای کسب دانش از پای نمی‌نشیند تا به هدف خود برسد، همین‌طور دربارهٔ ادب و اخلاق اگر کسی جویای دستیابی به آن باشد تا به سعادت برسد، باید به‌طور مداوم در این زمینه کوشش نماید تا به آن ادب عالی انسانی برسد، همان ادبی که سعادت حقیقی محسوب می‌شود.

بیشترین مسئولیت در زمینه سعادت خانواده برعهده والدین است که با ایجاد فضای تربیتی سالم، فرزندانشان را به نحوی مطلوب تربیت کنند و آنها را از مخاطرات اخلاقی حفظ نمایند.

از نگاهی دیگر، فرزندان نیز به نوبه خود، مسئولیت دارند تا به میزان توانایی‌شان، هماهنگ با والدین، محیط تربیتی مناسبی را که به وجود آمده حفظ نمایند و در راستای تأمین خواسته‌های والدین که همانا خواسته اولیای دین است، از هیچ تلاشی فروگذار نکنند.

استاد مطهری در زمینه سعادت انسان می‌نویسد:

«پیامبران الهی آمده‌اند که به ما راه زندگی و به تعبیر دیگر در ورودی زندگی و خوشبختی را نشان دهند. آمده‌اند که به بشر بفهمانند که بدی و بدکاری و هوسبازی و دروغ و خیانت و منفعت‌پرستی و کینه‌توزی و خودپرستی، راه ورودی زندگی و طریق رسیدن به سعادت و آرامش و رضایت‌خاطر نیست؛ در ورودی زندگی و خوشبختی، نیکی و نیکوکاری، راستی و درستی و استحکام اخلاقی و خیرخواهی و مهربانی است. تنها اینها و اعتقاد به معنویات و سپس نیکوکاری براساس آن اعتقادات مقدس است که قلب را آرام و رضایت‌خاطر را تأمین می‌کند و «سعادت» را میسر می‌کند»^۱.

۲ «عدالت»

اگر معلمی هنگام امتحان دانش‌آموزان، نمره همه را از آنچه استحقاق دارند کمتر بدهد، برخلاف عدالت رفتار کرده است. همچنان اگر نمره برخی را برطبق استحقاق آنها بدهد و نمره برخی دیگر را کمتر بدهد، باز برخلاف عدالت رفتار کرده است.

بنابراین عدل الهی به این معناست که موجودات جهان، هر کدام در درجه‌ای از هستی و در درجه‌ای از قابلیت فیض‌گیری از خداوندند.

اگر حیات جاویدان در کار نباشد، مثل انسان‌هایی که در نظام ایمان و عمل صالح حرکت کرده‌اند و انسان‌هایی که در نظام ضدایمان و عمل صالح حرکت کرده‌اند، مثل شاگردانی است که برخی تکالیف خود را به نحو احسن انجام داده‌اند و برخی دیگر وقت خود را به بازیگوشی گذرانده‌اند و معلم بخواهد همه آنها را از نمره محروم سازد، این محرومیت ظلم است و برخلاف اصل عدل^۲.

۱. تمثیلات و تشبیهات در آثار استاد شهید مطهری، ص ۱۳۳

۲. تمثیلات و تشبیهات در آثار استاد شهید مطهری، ص ۵۴-۵۳

در تمثیل مذکور، استاد شهید مطهری بر چند نکته تأکید دارد که از جمله عبارت‌اند از:
■ نظام جهان هستی بر عدل استوار است به این معنا که هر موجودی در حد ظرفیت خود از فیض الهی برخوردار می‌شود.

■ انسان‌ها در دنیا باید به این نظام عدالت الهی اعتقاد داشته باشند.

■ وجود اعتقاد به جهان آخرت، زمینه‌ساز عقیده به عدالت می‌شود.

عدل و عدالت به معنی برابری است^۱ و در قرآن کریم که فرموده: «خداوند به عدل و احسان و به بذل و عطا به خویشاوندان امر می‌کند^۲» منظور از عدل در اینجا عدل اجتماعی است^۳. منظور از عدالت اجتماعی نیز این است که تفویض مسئولیت‌ها و امتیازها میان آحاد جامعه به‌گونه‌ای انجام شود که هر کسی در جایی که شایسته آن است قرار گیرد و در توزیع امکانات و درآمدها نیز تبعیض در کار نباشد. آنچه در اینجا از عدالت موردنظر می‌باشد، عدالت تربیتی است. اگر اعضای خانواده در تعامل با یکدیگر، هر کسی را در جایگاهی که باید باشد قرار دهند به این معنا که احترام و شخصیت او را به اندازه‌ای که شایسته اوست، رعایت کنند و خواسته‌هایشان را از او بر مبنای توانایی‌اش تنظیم نمایند، در این صورت می‌توان گفت که در این خانه، عدالت تربیتی تحقق یافته است.

به عنوان مثال، همسران نسبت به یکدیگر حقوق متقابلی دارند که باید دقیقاً مراعات شود و از جمله در ارتباط عاطفی و بذل محبت کوتاهی نکنند و با تولد فرزند (فرزندانی)، از سهم محبت همسر نگاهند و به فرزند نثار کنند، بلکه با تداوم محبت به همسر، به فرزند نیز عاطفه پدری و مادری را عطا کنند و نیز پس از تولد فرزند دوم، سهم عاطفی فرزند اول فراموش نشود، بلکه باید همچون خورشید درخشانی که منبع لایزال و پایان‌ناپذیری برای ادامه حیات بشر در روی زمین است، والدین با نثار محبت خویش به عنوان کانون عاطفی نامحدود، به حیات جسمی و روحی فرزندان تداوم بخشند.

در چنین صورتی است که هر یک از اعضای خانواده شامل پدر، مادر و فرزندان، با احساس امنیت و مثبت‌نگری در مسیر پیشرفت و تعالی پیش می‌روند و همین فرزندان در سال‌های بعد و در زمان تشکیل خانواده قادر خواهند بود محبتی را که از والدین خود آموخته‌اند، نثار فرزندانشان نمایند و نسل بعد نیز نسلی سالم و با اعتمادبه‌نفس تربیت شود.

فرزندان نیز به نوبه خود نسبت به والدین از جهت عاطفی معتدلانه رفتار خواهند کرد. به‌گونه‌ای که در پاسخ به زحمات ارزشمند والدین، محبتی خالصانه نثار می‌کنند و پدر را بر مادر و یا مادر را بر پدر ترجیح نخواهند داد، بلکه عادلانه و با تساوی، احساسات پاک و قدرشناسانه خود را به صورت انجام خواسته‌های منطقی آنان بروز می‌دهند. این دسته از فرزندان که از محبت عادلانه والدین در دوران مختلف زندگی بهره‌مند شده‌اند، نسبت به یکدیگر نیز مناسباتی دوستانه و مبتنی بر احترام و حمایت خواهند داشت و در چنین صورتی است که می‌توان آنها را نمادی از خانواده متعادل دانست.

در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به والدین چنین آمده است:

«اعدلوا بین اولادکم کما تحبون ان يعدلوا بینکم^۴»؛ یعنی، میان فرزندان‌تان با عدالت رفتار کنید، آن‌گونه که

۱. قاموس قرآن، ج چهارم، ص ۳۰۱

۲. نحل: ۹۰

۳. قاموس قرآن، ج چهارم، ص ۳۴

۴. فرقان: ۷۴

دوست دارید با شما با عدالت رفتار شود.

به نظر می‌رسد برخی آثار عدالت تربیتی در خانواده در مناسبات میان والد- فرزند و فرزند- فرزند را می‌توان در محورهای ذیل ارائه کرد:

مؤلفه‌های عدالت تربیتی در خانواده:

۱ بهبود مناسبات میان والدین (همسران)

۲ بهبود مناسبات میان والدین فرزندان

۳ بهبود مناسبات میان فرزندان و والدین

۴ بهبود مناسبات میان فرزندان و فرزندان

بدیهی است خانواده‌ای موفق به پیاده کردن عدالت تربیتی در محیط زندگی می‌شوند که از مدیریت مطلوب و برنامه‌ریزی دقیقی برخوردار باشند.

۲ «رضایت»

پرسشی که در این بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد این است که اساساً چه نوع مناسباتی میان اعضای خانواده باید برقرار باشد تا آنها احساس موفقیت و شادکامی داشته باشند. یکی از پاسخ‌هایی که می‌توان در این زمینه ارائه داد، این است که رفتار هر یک از آنان به گونه‌ای باشد که در سایر اعضای خانواده، احساس رضایت خاطر بیافریند. چنین رضایت‌خاطری زمانی در کانون خانواده تحقق پیدا می‌کند که همه اعضای خانواده چنین بینشی پیدا کنند که زندگی یعنی حرکت و پویا به سوی آینده، آینده‌ای که خیلی زود از راه می‌رسد و آدمی را غافلگیر می‌کند. لذا آنهایی که نمی‌خواهند فرصت‌های خود را از دست دهند در زمان حال، نیم‌نگاهی به آینده داشته و برای آن طرح و اندیشه‌ای در ذهن داشته باشند. علاوه بر این چنانچه هر یک از اعضای خانواده به این بینش برسند که هم‌زمان با رشد و پیشرفت خویش، در اندیشه موفقیت سایرین نیز باشند، در این صورت است که پیشرفت جمعی حاصل می‌شود. به‌طور طبیعی زمانی که در کانون خانواده، همه افراد در ارزیابی خود و دیگران، به نتایج خوبی دست یابند و ببینند که خودشان و دیگران از همه ظرفیت‌ها و قابلیت‌هایشان به خوبی استفاده کرده‌اند، حس بسیار خوبی خواهند داشت که می‌توان آن را احساس رضایت خاطر نامید. در کلام الهی به این موضوع اشاره شده است و از جمله می‌فرماید:

«[بندگان الهی، در مقام دعا و نیایش] می‌گویند: بارالها! از همسر و فرزندان مان، برای ما، روشنایی چشم عطا کن و ما را پیشوای پرهیزکاران قرار ده.»

از تفسیر این آیه، پیام‌هایی قابل برداشت است که اجمالاً عبارت‌اند از:

۱ انسان در برابر همسر و فرزند و نسل خود متعهد است و باید برای عاقبت نیکوی آنها تلاش و دعا کند.

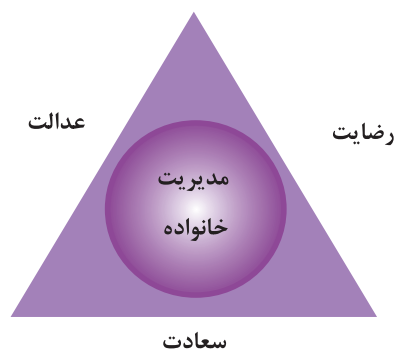
۲ در تربیت علاوه بر علم و تلاش، باید از خدا نیز کمک خواست.

۳ فرزند صالح، نور چشم است.

۴ در دست گرفتن مدیریت جامعه، آرزوی عباد الرحمن است، زیرا عهده‌دار شدن امامت و رهبری متقین، ارزش است.

۵ در دعا به حداقل اکتفا نکنید، بلندهمت باشید (خدایا ما را در رسیدن به کمال، رهبر متقین قرار ده، نه آنکه تنها از متقین باشیم).

براین اساس می‌توان چنین نتیجه گرفت که خانواده، اولاً به لحاظ نیل به سعادت به عنوان آرمانی متعالی و هدفی والا در زندگی مشترک، لازم است که از مدیریت مؤثر و مطلوبی برخوردار باشد. علاوه بر این از لوازم زندگی بانشاط و بالنده، وجود رفتاری توأم با عدالت است؛ عدالتی که در مناسبات همسران با یکدیگر و نیز مناسبات والدین و فرزندان حاکم باشد و در کنار این دو، دستیابی به رضایت به عنوان عاملی تأثیرگذار بر ارتباطات اعضای خانواده، مورد توجه باید قرار گیرد. این سه عامل همچون اضلاع مثلثی هستند که ضرورت مدیریت خانواده را تبیین می‌کند.



طرحواره ۱- نسبت مدیریت خانواده و ضرورت‌های آن

در توضیح طرحواره می‌توان گفت در میان ضرورت‌های مذکور، نقش آرمان و هدف عالی داشتن برای زندگی اهمیتی بیش از سایر عوامل دارد، زیرا بی‌هدفی زوجین، زندگی مشترک را به سرگردانی، پوچی، روزمرگی و ابتذال می‌کشاند و دست‌کم، وضعیتی ملال‌آور را موجب می‌شود. ولی تلاش برای نیل به سعادت، به عنوان آرمان والا، آنها را به تکاپو وامی‌دارد تا خود را از زندگی روزمره و رویکردی سطحی به آن داشتن، رها سازند و به سوی زندگی برین رهسپار نمایند.

رضایت داشتن از زندگی، در بسیاری از موارد، نتیجه و حاصل مدیریت موفق در خانواده است، نه به عنوان یکی از عوامل، ولی در این مبحث به لحاظ استناد قرآن کریم که همسر و فرزند خوب و باایمان را عاملی برای روشنایی چشم انسان می‌داند و مسلماً زمانی همسر و فرزند مایه روشنایی چشم‌اند که با گفتار و رفتار خویش، رضایت آدمی را فراهم آورند، لذا در اینجا به عنوان یک ضرورت در مدیریت زندگی در نظر گرفته می‌شود.

مدیریت چندوجهی

به لحاظ گستردگی ارتباطات در عصر حاضر و نیز به جهت اهمیت روزافزون نقش خانواده در ایجاد توازن در عرصه ارتباطات، می‌توان اداره مطلوب خانواده را مدیریتی چندوجهی تعریف کرد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

اول-مدیریت معرفتی

به لحاظ اهمیت مدیریت معرفتی و تأثیرات آن بر خانواده موفق و کارآمد، مطالب در دو بخش ارائه می‌شود؛ مدیریت معرفتی در رابطه با همسر و مدیریت معرفتی در رابطه با فرزند و برای هر کدام اصول پیشنهادی نیز ارائه خواهد شد.

الف) مدیریت معرفتی [نسبت به همسر]:

در مباحث خودسازی، این واقعیت مطرح می‌شود که خودشناسی، زمینه و مقدمه‌ای برای خودسازی است، با این توضیح که فرد هر اندازه خود را بیشتر و بهتر بشناسد، توفیق بیشتری در رشد شخصیت خود خواهد داشت، لذا گام اول در این راه، شناخت و معرفت است.

در زندگی مشترک نیز، دختر و پسر که تصمیم می‌گیرند هم‌سفر یکدیگر باشند، برای رسیدن به مقصد، لازم است ابتدا همدیگر را بشناسند و از دنیای روحی هم باخبر باشند. بخش مختصری از شناخت، در فرایند خواستگاری و تحقیق و نیز در دوران نامزدی حاصل می‌شود، ولی بیشترین میزان شناخت با شروع زندگی مشترک و پس از ازدواج حاصل می‌شود. در تداوم زندگی، شناخت همسر به عنوان روندی مستمر و روبه‌رشد تلقی شده و با گذشت هر سال، چنین شناختی به مراتب کامل‌تر و عمیق‌تر خواهد شد.

قبلاً در پودمان دوم این اثر درباره ارتباط شناختی اعضای خانواده با یکدیگر مطالبی بیان شد، ولی در این پودمان به آن دسته از مسائلی که شناخت آنها در روابط همسران با یکدیگر بیشترین ضرورت را دارد، خواهیم پرداخت.

تشابه و تناسب‌ها

اولین گام در زندگی مشترک و در زمینه شناخت همسر، این است که آنها وجوه مشترک خود را به درستی بشناسند. به این معنی که دقیقاً بدانند چه فصل مشترک‌هایی با هم دارند و در چه زمینه‌هایی با هم شباهت دارند. این امر موجب می‌شود تا احساس صمیمیت و تفاهم بهتر و بیشتری با یکدیگر داشته باشند. تقویت و توسعه چنین مواردی، باعث می‌شود تا از نظر روحی با هم مأنوس شوند و همین امر، تکیه‌گاهی برای آنان در برابر مشکلات و تهدیدهایی است که هر خانواده نوپا و جوانی ممکن است با آنها مواجه شود.

بدیهی است هر یک از همسران، زمانی که پی می‌برد با شریک زندگی‌اش در چه مواردی مشابهت دارد، احساس بهتری پیدا می‌کند، زیرا باورش این است که نوعی وحدت و هم‌گرایی میان آنهاست که در صورت مدیریت مطلوب، می‌تواند زمینه تفاهم و صمیمیت میان آنها تلقی شود، به عنوان مثال زن و مرد هر دو گرایش به معنویت و ارتباط با خدا دارند یا اینکه تمایل به مطالعه در هر دو وجود دارد و نیز در زمینه تحرک اجتماعی، علاقه‌مندند که با فامیل و بستگان ارتباط خوبی داشته باشند و در زمینه اقتصادی، ساده‌زیستی را بر تجمل‌پرستی ترجیح می‌دهند. این نوع مشابهت‌ها، فرصت ارزشمندی به زوج جوان می‌بخشد تا زندگی را به پیش ببرند و رشد و ترقی مطلوبی داشته باشند.

لازم به یادآوری است که تناسب با تشابه تفاوت‌هایی دارد که نباید از آنها ساده عبور کرد. در موارد زیادی ممکن است همسران جوان، تشابه‌چندانی در زمینه‌های خاصی نداشته باشند ولی نوعی تناسب در روحيات و حالاتشان با یکدیگر داشته باشند. در تناسب، یکسانی وجود ندارد ولی تمایل به هماهنگی مشاهده می‌شود. به عنوان مثال اگر دختر و پسری که تمایل به ازدواج با هم دارند، از نظر سنی چند سالی با هم فاصله داشته باشند به این معنی که پسر از دختر بزرگ‌تر باشد، در این حالت تشابه سنی ندارند بلکه تناسب سنی دارند و این فاصله چندساله به پسر امکان می‌دهد تا با تجربه بیشتر، بتواند زندگی را مدیریت کند یا در موارد زیادی قد پسران اندکی بلندتر است. در این حالت نیز همسانی از نظر قد وجود ندارد ولیکن همین اندازه فاصله میان قد آن دو، به آنها تناسب لازم را می‌بخشد. لذا در برخی موارد اگر به جای تشابه میان زوجین، با موارد تناسب روبه‌رو شدیم، این امر جای نگرانی نبوده و نیست بلکه وجود همین تناسب‌ها نیز می‌تواند به تفاهم منجر شود؛ نظیر اینکه خانواده‌های دختر و پسر از جهت اقتصادی، در وضعیت یکسانی قرار ندارند، اما خیلی هم با یکدیگر فاصله ندارند و می‌توان آنها را از نظر اقتصادی، با هم متناسب دانست و این امر موجب بروز مشکلی در زندگی مشترک دختر و پسر نخواهد بود.

در ادبیات فارسی، تناسب را در شعر نیز در نظر می‌گیرند و به عنوان مثال ماه و خورشید، و چشم و ابرو را در اشعار به کار می‌برند که حکایت از وجود تناسب در آنهاست. می‌توان انگشتان دست را مثال دیگری برای تناسب در نظر گرفت. انگشتان دست یکسان نیستند، ولی از تناسب با یکدیگر برخوردارند و همین امر موجب می‌شود که بتواند به راحتی در انجام کارها با یکدیگر همکاری کنند. براساس مطالب مذکور، اصول پیشنهادی زیر را می‌توان ارائه کرد:

اصول پیشنهادی

در زمینه نوع مواجهه همسران جوان با موارد تشابه و تناسب با یکدیگر، اصول ذیل پیشنهاد می‌شود:

- ۱ شناخت مشابهت‌ها:** در گام اول همسران جوان باید موارد تشابه میان یکدیگر را بهتر و بیشتر بشناسند. زیرا آشنایی کامل‌تر با فصل مشترک‌های روحی و روانی، موجب احساس هم‌گرایی و وحدت بین همسران شده و موجب می‌شود که الفت و انس بیشتری میان آنها به وجود آید.
- ۲ گفت‌وگو درباره مشابهت‌ها:** در گام دوم گفت‌وگوی زوج‌های جوان درباره مشابهت‌هایشان، آنها را از این واقعیت آگاه می‌کند که دنیای روحی‌شان تا چه اندازه به یکدیگر نزدیک است. در پاره‌ای اوقات ابراز این فصل مشترک‌ها و یادآوری آنها، زمینه‌ساز امیدواری به آینده زندگی است. زیرا فصل مشترک‌ها، سرمایه‌ای ارزشمند در زندگی امروز و فردا محسوب می‌شود.
- ۳ حفظ و نگهداری مشابهت‌ها:** گام سوم در این زمینه به حفظ و نگهداری مشترکات میان زوجین مربوط می‌شود. چنین به نظر می‌رسد که با توجه به نقش وجوه مشترک میان همسران جوان و تأثیر آن در روند زندگی موفق، لازم است که هر کدام در حفظ و نگهداری این ویژگی‌ها بکوشند و اجازه ندهند اختلافات و برخوردهای ناخواسته و گذرا، فضای صمیمی زندگی‌شان را تیره و تاریک نماید.
- ۴ توسعه و تقویت مشابهت‌ها:** گام چهارم مربوط به توسعه و تقویت فصل مشترک‌های زوجین است، زیرا جست‌وجوی این موارد و پرورش و گسترش آنها همچون پلی است که دو دنیای متفاوت را به هم نزدیک و نزدیک‌تر می‌سازد.
- ۵ اهمیت دادن به تناسب‌ها:** در زمینه تناسب شخصیتی میان زوجین، توصیه می‌شود که به این موارد اهمیت داده و به عنوان زمینه‌ای که می‌تواند در قوام‌بخشیدن به زندگی مشترک تأثیرگذار باشد، تلقی شود. بدیهی

است انتظاراتی که همسران جوان از موارد تناسب با هم دارند با انتظاراتی که از جوه مشترک با هم دارند، فرق می‌کند، لذا باید هر کدام را در جایگاه و موقعیتی که دارند، با اهمیت تلقی کرده و آنها را ندیده نگرفت.

۶ همکاری در زمینه تناسب‌ها: همان‌گونه که اعضای یک سازمان یا نهاد اجتماعی، از حیث وضعیت پرسنلی و رتبه و جایگاه در موقعیت یکسان و مشابهی با یکدیگر قرار ندارند، ولی دارای تناسب خاصی از حیث توانمندی با یکدیگر هستند و نحوه حضور آنها در سلسله‌مراتب سازمانی و در کنار هم قرار گرفتن و همکاری مؤثر است که می‌تواند آن سازمان را به نهادی پویا، شاداب و باتحرک تبدیل کند، خانواده هم سازمان زنده‌ای است که ارکان آن همسرانند و اگر در مواردی تشابه با یکدیگر ندارند، ولی از تناسب شخصیتی برخوردارند، همین کافی است که در زندگی مشترک با همکاری و تشریک مساعی با هم، خانواده را مدیریت کنند.

۷ توزیع مسئولیت‌ها براساس تناسب‌ها: همسران در جهاتی از حیث میزان خلاقیت و نوآوری ممکن است کاملاً شبیه هم نباشند و یا از لحاظ عاطفی، میزان تاب‌آوری‌شان با هم متفاوت باشند، ولی در کنار هم قرار گرفتن آنان در خانواده به عنوان یک واحد اجتماعی، می‌تواند فرصتی فراهم آورد که از همه ظرفیت‌ها به درستی استفاده شود. نکته قابل توجه توزیع مسئولیت‌ها به قدر وسعت‌ها و توانمندی‌هاست.

چنانچه انتظارات همسران از یکدیگر براساس وسع و توانایی تنظیم و تعریف شود، نه تنها جایی برای گله‌مندی و نارضایتی باقی نخواهد ماند، بلکه هر کس به قدر توانایی‌اش مسئولیت‌هایی را پذیرفته و از عهده آنها برمی‌آید و طرف مقابل هم بیش از این چیزی را از وی مطالبه نمی‌کند تا زمینه نارضایتی در خانواده فراهم شود.

تفاوت‌ها و تمایزها

دومین ویژگی مورد شناخت همسران، تفاوت‌ها و تمایزهاست. در این بخش برخلاف تشابه‌ها و تناسب‌ها، مواردی مورد بررسی قرار می‌گیرد که همسران را از یکدیگر متمایز می‌سازد و به عبارت دیگر نقطه‌های تفاوت آنهاست. به عنوان مثال مرد دارای خصوصیتی برون‌گرا و اجتماعی بوده و زن برخلاف او، از روحیه‌ای درون‌گرا و منزوی برخوردار است و یا برعکس، مرد شخصیتی گوشه‌گیر و منزوی و زن شخصیتی اجتماعی و برون‌گرا دارد. نمونه دیگر را می‌توان از طبیعت مثال آورد، مرد از حیث علاقه به طبیعت فوق‌العاده گرایش به حضور در فضای سبز داشته و دارد ولی زن، نقطه مقابل اوست و از طبیعت گریزان بوده و علاقه مفراطی به خرید و جمع‌آوری مجموعه ظروف چینی و بلور و قراردادن آنها در دکور منزل دارد.

حال مسئله مهم این است که با این موارد اختلاف و گاهی تضاد در روحیات زن و مرد چه باید کرد؟

اصول پیشنهادی

در زمینه نوع مواجهه همسران جوان با موارد تفاوت و تمایز یکدیگر اصول ذیل پیشنهاد می‌شود:

- ۱ پرهیز از تغییر دادن شخصیت کلی همسر:** زوجین با اطلاع پیدا کردن از این موارد اختلاف و تمایز، نباید بلافاصله درصد تغییر دادن همه جوه شخصیت همسران باشند، زیرا این شخصیت حاصل سال‌ها زندگی و تربیت خانوادگی اوست و از طرف دیگر هر کسی به شخصیت خود وابسته است و به نحوی آن را دوست دارد. بلکه پاره‌ای از ویژگی‌های مذکور در طی سالیان گذشته، همچون لایه‌های محکمی در برنامه و تدبیر مناسب است، زیرا ویژگی‌های مذکور در طی سالیان گذشته، همچون لایه‌های محکمی در اعماق وجود آدمی شکل گرفته است و تغییر دادن آنها چنانچه به مصلحت باشد، نیاز به زمان زیادی دارد.
- ۲ جلب اعتماد همسر:** برای تغییر آن دسته از ویژگی‌های رفتاری و شخصیتی همسر که نامطلوب است،

ابتدا باید اعتماد او را به خود جلب نمود، زیرا هر انسانی با ایجاد فضای اعتماد و اطمینان، می‌تواند برخی از رفتارهای همسرش را تغییر دهد.

۳ تمرکز بر ویژگی‌های مشترک: در گام سوم، هر یک از همسران نباید تفاوت‌های شخصیتی و رفتاری موجود را به عنوان سندی علیه یکدیگر مطرح نمایند، بلکه بر ویژگی‌های مشترک و مشابهی که با یکدیگر دارند، تمرکز داشته باشند و با طرح مشابهت‌ها و تناسب‌ها، چشم‌اندازی از امیدواری به زندگی مشترک و آینده ارائه دهند تا همسرشان را به زندگی دلگرم کنند.

۴ آگاهی از دیدگاه همسر: در گام بعدی فرد می‌تواند از همسرش دوستانه درخواست کند که نظرش را درباره تفاوت‌های موجود بیان کند. در این مرحله لازم است که به دقت از دیدگاه او آگاه شده و در ضمن صحبت‌هایش، به سخنان او کاملاً توجه کند. این چنین رفتار دل‌پسندی که اصطلاحاً به آن «هنر خوب شنیدن» نیز می‌گویند، میزان اعتماد او را به همسر افزایش داده و زمینه لازم را برای تغییر مطلوب به وجود می‌آورد. باید توجه داشت که هر نوع رفتار تحقیرآمیز با همسر، او را به شدت رنجیده خاطر می‌کند و به مقاومت در برابر هر تغییری وامی‌دارد. احترام گذاشتن به شخصیت او در فراز و نشیب‌های زندگی یک ضرورت غیرقابل تغییر محسوب می‌شود.

۵ طرح تغییر به صورت پیشنهادی دوستانه: چنانچه زمینه برای طرح تغییراتی در رفتار همسر مناسب تشخیص داده شد، فرد می‌تواند پیشنهاد خود را به صورت دوستانه، محترمانه مطرح کند که اگر او هم موافقت دارد، نظرش را ابراز کند و فقط یک مورد از ویژگی‌های مورد تغییر بیان شود، زیرا طرح بیش از یک مورد و در مواردی مطرح نمودن تعدادی از ایرادهای اساسی وی، به اعتماد به نفس او لطمه وارد می‌کند و آن نتیجه‌ای که مورد نظر آدمی باشد، حاصل نمی‌شود.

۶ رعایت انعطاف و پرسش: با وجود رعایت موارد مذکور، چنانچه همسر آمادگی لازم برای تغییر مناسب را نشان نداد، نباید ناامید شد و باید منتظر بود تا به مرور زمان و به تدریج به خواسته مورد نظر دست یافت. در این گونه موارد داشتن انعطاف و نرمش در زندگی مشترک، یک ضرورت است. در چنین صورتی، هم فرد خود را برای تغییرات ضروری و مناسب از جهت رفتاری آماده می‌کند و هم به همسرش فرصت کافی برای کنار آمدن با تغییرات مطلوب می‌دهد. نباید فراموش کرد آنهایی که موفقیت دست می‌یابند که شخصیت شکننده نداشته و از روحیاتی انعطاف‌پذیر برخوردار باشند. برای روشنی و وضوح مطلب، توجه به داستان کوتاه ذیل، خالی از لطف نیست:

در حکایات کهن از سرزمین ژاپن آورده‌اند:

یکی از روزهای برفی و سرد زمستان، حکیمی درون اتاق گرم خود نشسته و از پنجره اتاقش باریدن برف سنگینی را که چند روز پشت سرهم آمده بود، نظاره می‌کرد. درختی در گوشه حیاط قرار داشت که شاخه‌هایش پوشیده از برف بود و فشار زیادی را تحمل می‌کرد، ناگهان حکیم دید که شاخه کوچک و نرمی که زیر برف‌های متراکم، احساس سنگینی می‌کرد، اندکی خم شد و برف‌ها از روی آن به داخل باغچه ریخت و مجدداً به حالت اول خود بازگشت، ولی شاخه بزرگ‌تری که خشک بود، نتوانست بار سنگینی برف را تحمل کند، شکست و از درخت جدا شد. حکیم ژاپنی با دیدن این صحنه گفت: اگر بخواهی در زیر مشکلات زندگی خرد نشوی باید نرمش و انعطاف داشته باشی. در یک جمله می‌توان چکیده این بخش از مدیریت معرفتی را در یک عبارت کوتاه بیان کرد:

«از زوجین نمی‌توان انتظار داشت که در همه ویژگی‌ها مانند هم باشند، آنها مکمل یکدیگرند.»

ب) مدیریت معرفتی [نسبت به فرزند]

آنچه در مطالب پیشین بیان شد، بخشی از مدیریت معرفتی نسبت به همسر بود که در محورهای مختلفی مورد بررسی قرار گرفت. اما در مورد فرزند به عنوان حاصل زندگی به خاطر جایگاهی که دارد، از جهت داشتن معرفت و شناخت نیز باید مورد توجه جدی والدین قرار گیرد. یکی از مباحثی که جا دارد به آن اهتمام جدی مبذول شود، راهنمایی فرزند در زمینه مسائل و موضوعاتی است که ذیلاً به آن می‌پردازیم:

تقویت بصیرت (خودآگاهی): بصیرت^۱ به آگاهی عمیقی که انسان درباره خویشتن و جهان کسب می‌کند گفته می‌شود. اصطلاحاً بصیرت را درک دل (قلب) نیز می‌گویند^۲ و گاهی به عقل و زیرکی هم معنی کرده‌اند.^۳ در قرآن کریم به این مطلب اشاره شده و می‌فرماید: «ادعوا الی الله علی بصیره انا و من التبعنی^۴؛ یعنی، بگو طریقه من و پیروانم همین است که خلق را به خدا با بینایی و بصیرت دعوت کنم.

در بخشی از بیانات امام علی علیه السلام به بصیرت اشاره شده است و از جمله می‌فرمایند: «انَّ معی لبصیرتی...»^۵؛ یعنی، همانا، آگاهی و حقیقت‌بینی، با من همراه است، نه حق را از خود پوشیده داشته‌ام و نه بر من پوشیده بود. در بیان مذکور بصیرت به مفهوم آگاهی از حق و حقیقت آمده است. ایشان همچنین در بیان اینکه آدمی با داشتن بصیرت، قادر است در مواجهه با شبهات قاطعانه رفتار کند، می‌فرمایند:

«به خدا سوگند من از پیشتازان لشکر اسلام بودم، تا آنجا که صفوف کفر و شرک، تارومار شد. هرگز ناتوان نشدم و نترسیدم. هم‌اکنون نیز همان راه را می‌روم. پرده باطل را می‌شکافم تا حق را از پهلوی آن بیرون آورم.^۶»

از مطلب فوق نیز می‌توان چنین استنباط کرد که تشخیص دقیق حق از باطل، نیازمند بصیرت و حقیقت‌بینی است. استاد مطهری در بیان آگاهی‌های انسان می‌نویسد:

«انسان هم «خودآگاه» است و هم «جهان‌آگاه» و دوست می‌دارد از خود و از جهان آگاه‌تر گردد. تکامل و پیشرفت و سعادت او در گرو این دو آگاهی است. یکی از وجوه تفاوت‌های علم و ایمان در این است که علم وسیله جهان‌آگاهی و ایمان سرمایه خودآگاهی است.^۷» ایشان در ادامه می‌نویسد: «علم سعی دارد، انسان را همان‌گونه که به جهان آگاهی می‌رساند به خودآگاهی نیز برساند، اما خودآگاهی‌هایی که علم می‌دهد مرده و بی‌جان است، شوری در دل‌ها نمی‌افکند و نیروی خفته انسان را بیدار نمی‌کند. برخلاف خودآگاهی‌هایی که از ناحیه دین و مذهب پیدا می‌شود که با نیروی ایمان پی‌ریزی می‌شود، سراسر وجود انسان را مشتعل می‌سازد.^۸»

بر این اساس از رسالت‌های مهم نهادهای تربیتی، خانواده‌ها، مدارس و رسانه‌ها، ایجاد خودآگاهی و بصیرت و تقویت آن در کودکان، نوجوانان و جوانان است، تا براساس آن، نونهالان و آینده‌سازان، قادر باشند در مواجهه و رویارویی با امواج شک و تردید راه خود را به درستی پیدا کنند و با پرهیز از انحراف به چپ و راست، راه مستقیم را که همان راه خدا و بندگی پروردگار است^۹ بیمایند و اولین وظیفه خطیر والدین نیز ایجاد و تقویت خودآگاهی فرزندان است. فرزندان، خود نیز باید با مطالعه دقیق و مستمر و در زمینه‌های موردنیاز به چنین

۱. Insight

۲. قاموس قرآن، ج ۱، ص ۱۹۵

۳. همان، ص ۱۹۶

۴. یوسف: ۱۰۸

۵. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۳۷، بند ۲

۶. همان، خطبه ۳۳، بند ۴

۷. انسان در قرآن، ص ۶۷

۸. همان، ص ۶۸

۹. «و ان اعبودنی هذا صراط مستقیم»؛ یعنی، «و مرا پرستش کنید (امر مرا اطاعت کنید) که این راه مستقیم (سعادت ابدی) است» (یس: ۶۱)

بصیرتی دست یابند. کودکان و نوجوانان در زمینه‌های متعددی نیازمند داشتن بصیرت یا خودآگاهی هستند که متناسب با مراحل رشد و تحول آنها، شکل گرفته و مبنای جهت‌گیری آنها قرار می‌گیرد.

انواع خودآگاهی: استاد مطهری در بیان انواع خودآگاهی‌ها می‌نویسد:

«چند نوع خودآگاهی داریم:

۱- خودآگاهی فطری، ۲- خودآگاهی فلسفی، ۳- خودآگاهی جهانی، ۴- خودآگاهی طبقاتی، ۵- خودآگاهی انسانی، ۶- خودآگاهی عرفانی و ۷- خودآگاهی پیامبرانه.^۱»

در اینجا به طور خلاصه به بیان برخی از آنها می‌پردازیم:

۱ خودآگاهی فطری: انسان بالذات، خودآگاه است، یعنی جوهر ذات انسان آگاهی است، این چنین نیست که اول «من» انسان تکوین می‌یابد و در مرحله بعد، انسان به این «من» آگاهی می‌یابد. پیدایش «من» انسان، عین پیدایش آگاهی به خود است. این نوع آگاهی، از نوع علم حضوری انسان به خویشتن خویش است.^۲ مطالعه در زمینه خودشناسی یا معرفت نفس، موجب خودآگاهی فطری می‌شود و ظرفیت آدمی را برای کارهای بزرگ و برجسته افزایش می‌دهد و علاوه بر آن، خودشناسی، مقدمه‌ای برای خداشناسی است.

۲ خودآگاهی جهانی: این نوع خودآگاهی به آگاهی آدمی به خود در رابطه‌اش با جهان مربوط می‌شود و پرسش‌هایی که فرد در این زمینه برایش مطرح می‌شود عبارت است از:

■ از کجا آمده‌ام؟

■ در کجا هستم؟

■ به کجا می‌روم؟

در این خودآگاهی، انسان کشف می‌کند که جزئی از یک «کل» است به نام جهان، می‌داند که یک جزیره مستقل نیست. سخن پرمغز امام علی علیه السلام ناظر به این نوع از خودآگاهی است که می‌فرماید: «خدای رحمت کند آن که را که بداند از کجا آمده؟ در کجا است؟ و به کجا می‌رود؟»^۳

۲ خودآگاهی ملی: این نوع خودآگاهی به آگاهی انسان به خود در رابطه‌اش با مردمی که با آنها پیوند قومی و نژادی دارد گفته می‌شود.^۴ خودآگاهی ملی، یعنی آگاهی به فرهنگ ملی، به شخصیت ملی^۵ به این خودآگاهی، «هویت ملی» نیز اطلاق می‌گردد.

تأکید بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران بر این مطلب بارها و بارها، نشانگر اهمیت بالای آن است. امام خمینی علیه السلام می‌گویند: «من به صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کند.»^۶

رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز بر بصیرت و بینش ملت تأکید کرده و می‌گویند: «اگر پایه‌های فرهنگی بخواهد مستحکم شود، شرط اصلی این است که ایمان مردم به دین و موارث فرهنگی خودشان روز به روز استحکام پیدا کند و تضعیف نشود. ما نمی‌خواهیم در یک جزیره زندگی کنیم، ما می‌خواهیم مردم به موارث و ثروت فرهنگی خود ببالند و احساس حقارت نکنند.»^۷

۱. انسان در قرآن، ص ۶۷

۲. همان، ص ۷۳-۷۴

۳. همان، ص ۷۷ (رحم اله امره علم، من این، فی این و الی این)

۴. همان، ص ۷۹

۵. همان، ص ۸۰

۶. حدیث ماندگاری، ص ۲۵۳

۷. فرهنگ و تهاجم فرهنگی در آیینة نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی، ص ۲۱۴ و ۲۱۵

ایشان همچنين در خصوص کودکان و نوجوانان می‌گویند: «الان هم در همهٔ زمینه‌ها، اعم از زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی باید خودمان را تجهیز کنیم و این تجهیز یکی از مهم‌ترین تدابیرش همین است که ما جوانان و نوجوانان و کودکان این مرز و بوم را اسلامی بار آوریم.»^۱

«امروز جوان ایرانی، آگاه و با معرفت و بصیر و سیاسی و اهل تحلیل است و از همه بالاتر باایمان است.»^۲

۴ خودآگاهی انسانی: این خودآگاهی به معنا و مفهوم آگاهی به خود در رابطه با همهٔ انسان‌ها است. خودآگاهی انسانی بر این اصل استوار است که انسان‌ها مجموعاً یک «واحد» حقیقی به‌شمار می‌روند و از یک وجدان مشترک انسانی، ماورای وجدان طبقاتی، مذهبی، ملی و نژادی بهره‌مندند. ولی چنین خودآگاهی تنها میان انسان‌های به انسانیت رسیده که ارزش‌های انسانی و در حقیقت ماهیت واقعی انسانی در آنها به فعالیت رسیده و تحقق یافته است، رشد پیدا می‌کند.^۳

استاد مطهری در این زمینه می‌نویسد: «انسان‌هایی که ماهیت انسانی یافته‌اند و انسان‌هایی که از نظر فطریات انسانی رشد و بالندگی یافته‌اند، واقعاً اعضای یک پیکرند و روح واحدی بر آنها حکم فرماست و چنین انسان‌هایی که همهٔ ارزش‌های فطری در آنها روییده شده، همان انسان‌های «مؤمن» اند، زیرا ایمان در رأس فطریات و ارزش‌های اصیل انسانی واقع است.»^۴ و رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «مؤمنان اعضای یک اندامند، هرگاه عضوی به درد آید، با تب و بی‌خوابی، با او همدردی می‌کنند.»^۵

۵ خودآگاهی عرفانی (عارفانه): خودآگاهی عرفانی، آگاهی به خود است در رابطه‌اش با ذات حق، این رابطه از نظر اهل عرفان، از نوع رابطهٔ دو موجود که در عرض یکدیگر قرار گرفته‌اند، مثل رابطه انسان با افراد اجتماع نیست، بلکه از نوع رابطه فرع با اصل و مجاز با حقیقت است. درد عارف با درد فیلسوف نیز یکی نیست، عارف و فیلسوف هر دو دردمند حقیقت‌اند، اما درد فیلسوف، درد دانستن و شناختن حقیقت است و درد عارف، درد رسیدن و یکی شدن است. عارف، خودآگاهی کامل را منحصرراً در «خداآگاهی» می‌داند.^۶

اصول پیشنهادی

در این بخش همانند بخش قبلی، اصول مرتبط با مدیریت معرفتی ارائه خواهد شد و به لحاظ اهمیت خاصی که دارد و نقشی که نوجوانان و جوانان می‌توانند در رسیدن به چنین معرفتی ایفا کنند به مطالبی از بزرگان نیز استناد خواهد شد.

۱ در بُعد خودآگاهی فطری: نوجوانان و جوانانی که در جهت شناخت خود، موقعیت سنی و جایگاهی که در جهان هستی دارند، تلاش می‌کنند، به معرفتی دست یابند که نگاه آنها به خویشتن خود، زندگی و معنا و مفهوم آن تغییر می‌کند. امام خمینی رحمته الله علیه در این زمینه مطالبی دارند که به چند مورد آنها اجمالاً اشاره می‌شود:

■ «و تو ای فرزندم! از جوانی خود استفاده کن و با یاد خدا و محبت به او و رجوع به فطرت الله زندگی

۱. همان، ص ۲۱۶

۲. همانجا

۳. انسان در قرآن، ص ۸۱-۸۷

۴. همان، ص ۸۷-۸۸

۵. استاد مطهری معتقدند که سعدی، سخن رسول اکرم صلی الله علیه و آله را اقتباس کرده ولی تعمیم نادرستی به آن بخشیده است و گفته است بنی آدم اعضای یک پیکرند و در توضیح مطلب می‌گویند آنچه سعدی گفته ایده‌آلی است نه واقعیت. بلکه ایده‌آل هم نیست. چه جهتی دارد که موسی با فرعون هم پیکر باشد و ابودر همدرد معاویه؟! (انسان در قرآن، ص ۸۸)

۶. همان، ص ۹۲ و ۹۴

کن و عمر را بگذران و این یاد محبوب هیچ منافاتی با فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و خدمت به دین او و بندگان او ندارد^۱.

■ جوانان که به افق ملکوت نزدیک‌ترند برای رسیدن به آب زلال و سرچشمه نور و تهذیب قلب موفق‌ترند^۲. استاد مطهری نیز در این مورد می‌نویسد: «اسلام عنایت خاص دارد که انسان «خود» را بشناسد و جاه و موقع خویش را در جهان آفرینش تشخیص دهد، این همه تأکید در قرآن در مورد انسان برای این است که انسان خویش را آنچنان که هست بشناسد و مقام و موقع خود را در عالم وجود درک کند و هدف از این شناختن و درک کردن این است که خود را به مقام والایی که شایسته آن است برساند^۳. ■ آن «خود» همان چیزی است که «روح الهی» نامیده می‌شود و با شناختن آن «خود» است که احساس شرافت و کرامت و تعالی می‌کند و خویش را از تن دادن به پستی‌ها برتر می‌شمارد. به قداست خویش پی می‌برد، مقدسات اخلاقی و اجتماعی برایش معنی و ارزش پیدا می‌کند^۴.

۲ **در بُعد خودآگاهی جهانی:** در این زمینه به نوجوانان و جوانان پیشنهاد می‌شود که با تکیه بر مبانی فکری اسلام، شناخت خود را نسبت به آنچه در جهان می‌گذرد، افزایش دهند و براساس بینش توحیدی درخصوص معادلات جهانی به ارزیابی و تحلیل صحیحی دست یابند. یکی از نمونه‌ها و مصادیق چنین نگرشی که دیدی جهانی به انسان ارائه نموده و او را فراتر از مرزهای دین، مورد توجه قرار می‌دهد، دیدگاه امام علی علیه السلام است که در بخشی از نامه خود به مالک اشتر می‌نویسد: «مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه، دوست و مهربان باش. مبادا هرگز چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنها را غنیمت بدانی، زیرا مردم دو دسته‌اند، دسته‌ای برادر دینی تو، و دسته دیگر همانند تو در آفرینش‌اند. (همنوع تو هستند)^۵». همان‌گونه که در این عبارت مشاهده می‌شود، حاکم و رهبر نباید فقط به کسانی که هم‌دین او هستند، توجه داشته باشد، بلکه آنهایی نیز که هم‌دین نیستند ولی هم‌نوع اویند باید مورد توجه قرار گیرند و حقوق آنها رعایت شود.

۳ **در بُعد خودآگاهی ملی:** در این زمینه به نوجوانان و جوانان توصیه می‌شود در محورهای زیر، بصیرت و خودآگاهی خویش را افزایش دهند تا پیوند محکمی میان خود و سرزمینی که در آن زندگی می‌کنند، برقرار شود:

- جامعیت اسلام، تعالیم اجتماعی اسلام، فرد و اجتماع در نگاه دین
- پیدایش انقلاب اسلامی، انگیزه و عمل انقلاب اسلامی، تمایز انقلاب اسلامی و سایر انقلاب‌ها
- پیدایش زمینه‌های استعماری غرب و شرق در ایران، استعمار کهن و نوین، استراتژی مبارزه با استعمار
- تهدیدات فرهنگی، غرب‌زدگی و شرق‌زدگی، تهاجم فرهنگی، ناتوی فرهنگی، هویت فرهنگی، نقش مراکز علمی و آموزشی در تکوین هویت ملی

۱. جوانان از دیدگاه امام خمینی (ره)، ص ۲۰

۲. همان، ص ۲۵

۳. انسان در قرآن، ص ۳۱

۴. همان، ص ۳۲

۵. مالک اشتر یکی از فرماندهان و سرداران شجاع حضرت علی علیه السلام است که نقش چشمگیری در جنگ صفین ایفا نمود. وقتی خبر شهادت مالک اشتر را شنید فرمود: «مالک! چه مالکی؟ به خدا اگر کوه بود، کوهی که در سرفرازی یگانه بود و اگر سنگ بود، سنگی سخت و محکم بود که هیچ رونده‌ای به اوج قلّه او نمی‌رسید و هیچ پرنده‌ای برفراز آن پرواز نمی‌کرد.» (نهج‌البلاغه، حکمت، ۴۴۳)

حضور زن در انقلاب اسلامی، نظر اسلام درباره نقش و شأن زن، حجاب و امنیت زن، زن رکن اساسی خانواده، الگوی زن مسلمان، استقلال زن ایرانی و حضور در میدان علم، سیاست، تعلیم و تربیت و قانونگذاری دوران دفاع مقدس، انگیزه هجوم دشمن به کشور، حضور اقشار مختلف در عرصه دفاع، نقش زنان در دفاع مقدس

جایگاه اقتصاد در استقلال کشور، مواجهه در فرهنگ مصرف‌زدگی و ساده‌زیستی، فرهنگ‌سازی برای حمایت از کالای ایرانی

۴ در بُعد خودآگاهی انسانی: در این زمینه به نوجوانان و جوانان پیشنهاد می‌شود که در محورهای ذیل، بر آگاهی خویش بیفزایند:

پیدایش و ظهور فطریات انسان، گرایش‌های فطری و زمینه‌های پرورش آنها در خویشتن

تفاوت «انسان فطری» در اسلام و «انسان درون‌تهی» در مکاتب مادی و وجودگرا

نقش «ایمان به خدا» در رویش جوانه‌های فطری انسان

تأمل در موضوع «مسئولیت آدمی» نسبت به «همنوع خود»

بررسی رابطه انسان با «محیط زیست»

آثار همدلی و همدردی با انسان‌های دردمند

۵ در بُعد خودآگاهی عرفانی (عارفانه): با توجه به محور اصلی خودآگاهی عرفانی که رابطه انسان با ذات

اقدس حق است، به نوجوانان و جوانان پیشنهاد می‌شود در زمینه‌های ذیل، به تأمل و تفکر بپردازند.

به‌منظور پیدا کردن چنین تفکری، فرازهایی از دیدگاه امام خمینی رحمته‌الله ارائه می‌شود:

من به شما (جوانان) مژده پیروزی می‌دهم و خدای تبارک و تعالی به شما نظر دارد.

[خطاب به جوانان] این توجه به خدا و هجرت از خود به خدا که بزرگ‌ترین هجرت‌هاست، هجرت از

نفس به حق و از دنیا به عالم غیب، شما را تقویت کرد.

این پیروزی معنوی و مادی مرهون اسلامی بودن انقلاب و مردمی بودن و توجه مردم به اسلام و تحول

روح عظیمی است که خداوند در این ملت، معجزه‌آسا ایجاد فرمود که جوانان بسیار عزیز با یک جهش

برق‌آسای معنوی و روحی، یک‌شبه ره صدساله را پیمودند و آنچه عارفان و شاعران عارف‌پیشه در

سالیان دراز آرزوی آن را می‌کردند اینان ناگهان به دست آوردند و عشق به لقاءالله را از حد شعار به

عمل رسانده و آرزوی شهادت را با کردار در جبهه‌های دفاع از اسلام عزیز به ثبت رساندند و این تحول

عظیم معنوی با این سرعت بی‌سابقه را جز به عنایت پروردگار مهربان و عاشق‌پرور نتوان توجیه کرد.

من امیدوارم که مملکت شما یک مملکت اسلامی شود. جوان‌های ما، یک جوان‌های معتقد به اسلام

شوند و اگر این ایمانی که ما را پیش برد، باقی باشد، احدی دیگر نمی‌تواند به شما تعدی کند و ان‌شاءالله

نخواهد توانست.

از عواملی که به زندگی خانوادگی، رونق و جذابیت می‌بخشد، لزوماً رفاه و امکانات مادی نیست، همچنین داشتن تحصیلات بالا و اخذ مدارک دانشگاهی نیز ضرورتاً موجب خوشبختی و سعادت نمی‌شود، زیرا در بسیاری از موارد، همه اینها وجود دارد ولی زندگی فاقد خوشبختی بوده و نور و فروغی در آن مشاهده نمی‌شود. در حقیقت عاملی که به خانواده، روشنی، گرمی و امیدواری می‌بخشد، عواطف سالم و سازنده‌ای است که دل‌ها را به یکدیگر پیوند می‌دهد.

زوج جوان در پرتو مدیریت عاطفی مطلوب، قادر هستند بر ضعف‌ها و کاستی‌های خود غلبه یابند و چالش‌های مهم زندگیشان را به لطف نیروی عواطف پایدار حل کنند. مدیریت عاطفی به تعبیر ساده این است که همسران یکدیگر را دوست داشته باشند و این دوستی به خاطر موقعیت خاص مالی، خانوادگی، شغلی، تحصیلی یا زیبایی طرف مقابل نباشد، بلکه او را به خاطر خودش دوست داشته باشند، زیرا اگر علاقه به همسر به جهت یکی از امتیازاتی باشد که در بالا به آنها اشاره شد، با تغییر یا از میان رفتن یکی از امتیازات ظاهری، چراغ محبت در خانواده خاموش می‌شود و زندگی به سردی عاطفی منجر می‌شود. ولی اگر هر یک از همسران، شریک زندگی را به خاطر خودش و ارزش‌های باطنی او، نظیر اخلاق، ادب، متانت، صداقت، پشتکار، همدلی و همراهی‌اش دوست داشته باشد، این نوع زندگی، در معرض تزلزل عاطفی قرار نمی‌گیرد.

اصول پیشنهادی

در زمینه مدیریت عاطفی کارآمد و مطلوب در خانواده، اصول ذیل پیشنهاد می‌شود:

۱ دادوستد عاطفی: در مدیریت عاطفی باید به این واقعیت اذعان داشت که عاطفه آدمی، همچون سرمایه‌ای است که اگر به کار افتد و در جریان دادوستد قرار گیرد، رشد کرده و بیشتر می‌شود و در صورت احتکار یا پنهان نمودن آن در جایی، علاوه بر اینکه در معرض خطر دستبرد دیگران قرار می‌گیرد، از قدرت آن نیز کاسته می‌شود. لذا زنان و مردان جوانی که در زندگی مشترک، محبت خود را به صورت دادوستد عاطفی، مبادله می‌کنند، بر قدرت و عمق عواطف‌شان افزوده شده و زندگی مشترک آنها را گرم‌تر و جذاب‌تر می‌سازد و در غیر این صورت با پنهان کردن عواطف خود، به تدریج از توان و ظرفیت احساسات و محبت خویش می‌کاهند و خانواده از رهگذر چنین پیشامدی، در معرض تهدید واقع می‌شود.

۲ مهرورزی، لازمه مصونیت اخلاقی: مهرورزی به انسان‌ها، به‌ویژه به همسر، هنر است و همه کس به این امر آگاهی ندارد که در پرتو ابراز مهر و محبت، پایه‌های زندگی استحکام می‌یابد. شاید برخی از زنان جوان که فاقد مهارت مهرورزی به همسرانشان هستند، به این دلیل باشد که آن را از مادرانشان نیاموخته‌اند یا دچار خودشیفتگی باشند و به همین جهت، قادر نیستند به چیزی غیر از خود توجه داشته باشند. و احتمالاً برخی مردان جوان نیز که ممکن است تعدادشان بیش از زنان جوان باشد، به این دلیل در مهرورزی به همسرانشان کوتاهی می‌کنند که آن را با غرور مرد در تعارض می‌بینند و تصور می‌کنند در اثر مهرورزی به زنانشان، از جلال و شکوهشان می‌کاهد یا می‌پندارند که زنان از این امر سوءاستفاده می‌کنند. واقعیت امر چیز دیگری است، زنان با ابراز عاطفه به همسرانشان، بر قدر و قیمت خود می‌افزایند و در قلب آنان جایگاه خوبی پیدا می‌کنند و مردان نیز با مهرورزی به زنانشان، آنها را در عزم و اراده زندگی، مصمم‌تر و نیرومندتر نموده و از خطر آسیب‌ها و تهدیدهای اخلاقی حفظ می‌کنند.

۲ حمایت و پشتیبانی: زندگی مشترک در روند طبیعی خود با فراز و نشیب‌هایی روبه‌رو می‌شود که گذر از آنها نیاز به حمایت طرفین از یکدیگر داشته و دارد. همسرانی که با درک موقعیت، به یاری شریک زندگیشان شتافته و از او در برابر مشکلاتش حمایت می‌کنند، آزمون لیاقت خود را با سربلندی می‌گذرانند.

بدیهی است انسان‌ها در مواجهه با تنگناهای زندگی، به تنهایی قادر بر غلبه بر آنها نیستند و از اینکه همسر خود را همراه خویش می‌بینند، احساس دلگرمی نموده و با جرأت‌ورزی به مصاف مشکلات بزرگ‌تر خواهند رفت.

۴ همدلی و همدردی: مواجهه با مشکلات پیش‌رو برای زوجین، همیشه با موفقیت همراه نیست و در مواردی حمایت و پشتیبانی یکی از همسران از دیگری، ممکن است بی‌نتیجه باشد. باید در نظر داشت آنچه در نهایت در ذهن و خاطر همه می‌ماند، شکست نیست بلکه حمایت و پشتیبانی شریک زندگی‌اش است. با این حال یادآوری این نکته ضروری است که همدلی و همدردی به عنوان شیوه مؤثر در این‌گونه موارد، قادر است، از تلخی شکست و ناکامی بکاهد و احساس خوبی به آدمی بخشد که کسی در کنار اوست و می‌تواند به او تسلی خاطر دهد. همدلی و همدردی، از سنگینی بار مشکلات می‌کاهد و توان آدمی را برای مبارزه مجدد افزایش می‌دهد. همدلی و همدردی با همسر، دارای یک پیام است، پیامی که مضمونش چنین است: در دنیایی که مسائل و مشکلات هرازگاهی سر برمی‌آورند، تو تنها نیستی و من در کنارت هستم.

۵ نشاط آفرینی: نشاط‌آفرینی در خانواده و اطرافیان، یکی از راهکارهای مؤثر در مدیریت عاطفی است. روان‌شناسان معتقدند که «عواطف مسری است» به این معنا که شما هر نوع احساس و عاطفه‌ای داشته باشید آن را به اطرافیان‌تان تسری می‌بخشید، چنانچه احساس شادی و بانشاطی داشته باشید، خانواده‌تان را مسرور می‌کنید و در صورتی که احساس غم و اندوه در شما باشد، آنها را اندوهگین خواهید ساخت.

اینک به بیان برخی از کلام و سیره بزرگان دین به عنوان شواهدی در این زمینه می‌پردازیم:

درباره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آورده‌اند که از انسان‌های خشن و بی‌عاطفه رنج می‌کشید و می‌فرمود: «کسی که به مردم رحم نکند، خداوند به او رحم نخواهد کرد. به آنچه از مردمان و جانوران در روی زمین است، رحم کنید، تا آنکه در آسمان است به شما رحم آورد.»

از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمودند: «هرگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله، یکی از یارانش را غمگین می‌دید، با شوخی کردن، دل او را شاد می‌کرد و می‌فرمود: خداوند کسی را که با ترشروی با برادرانش دیدار کند، دشمن می‌دارد.

و نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند:

«هر که غمی از غم‌های دنیا را از مؤمنی بردارد، خدا غمی از غم‌های روز قیامت را از او برمی‌دارد و هر که بر تنگدستی آسان گیرد، خدا در دنیا و آخرت بر او آسان گیرد و هر که رازپوش مسلمانی شود، خدا در دنیا و آخرت رازپوش وی شود.»

خانواده به عنوان سنگ بنای اولیهٔ اجتماع، کانونی گرم و صمیمی است که قادر است فرزندان را برای ورود به جامعه، تربیت کند. شکل‌گیری ارتباط‌های متقابل میان فرزندان و هدایت آنها توسط والدین، زمینهٔ تکوین ارتباط‌های اجتماعی را مهیا می‌کند تا فرزندان امروز و جوانان فردا، بتوانند با یکدیگر همزیستی مسالمت‌آمیزی را تجربه کنند. لذا خانواده را می‌توان دریچه‌ای به اجتماع فردا تلقی کرد. عملکرد خوب و موفق والدین، دریچه‌ای روشن به جامعه‌ای است که فرزندان با احساس خوب به آن وارد می‌شوند و در مقابل، عملکرد نامطلوب و ناموفق والدین، روزه‌ای تاریک و مه‌آلود به دنیایی است که فرزندان با احساس نگرانی به آن گام می‌نهند.

اصول پیشنهادی

در خصوص مدیریت اجتماعی خانواده، اصول ذیل به والدین پیشنهاد می‌شود:

واقعیت امر این است که انسان، مدنی‌الطبع بوده و از لحاظ فطری گرایش به حضور در جمع و ارتباط با اجتماع دارد و چنانچه سازوکارهای تربیتی خانواده در راستای گرایش فطری به اجتماع مدیریت شود، فرزندان را در تعامل اجتماعی یاری و توانایی می‌بخشد. به عنوان نمونه رابطهٔ حسنه با نزدیکان و بستگان برقرار کردن و حفظ ارتباط‌های فامیلی در چارچوب ارزش‌های دینی، همچون پل مستحکمی است که فرزندان را به دنیایی وارد می‌کند که به سهولت و صحت بتوانند جایگاه واقعی خویش را در آن پیدا کنند و از برقراری تعامل اجتماعی هراسی به خود راه نداده و مسیر زندگی خویش را به روشنی دنبال نمایند.

در نقطهٔ مقابل، ناتوانی و تزلزل والدین در ارتباط‌های درون فامیل، علاوه بر اینکه فرزندان را در درستی و اصالت تعامل با دیگران دچار تردید می‌کند، آنها را از داشتن تجربیات زندگی اجتماعی نیز محروم می‌سازد. این مطلب مؤید آن است که والدین در برقراری مناسبات انسانی با دیگران، تنها به خواست و ارادهٔ خود تکیه نکنند و مصالح امروز و فردای فرزندان خود را نیز در نظر داشته باشند.

۱ ایجاد نگرش مثبت اجتماعی: رفتار و عملکرد آدمی، تابع نگرش و بینش او در مواجهه با آن زمینه است. حضور افراد پرتحرکی که در دنیای ارتباطات، پایبند اصول اخلاقی نیز هستند، بیانگر این است که آنها با نگاهی مثبت و سازنده با جامعه مواجه می‌شوند و براساس همین دیدگاه، قادرند تعامل سازنده‌ای با دیگران داشته باشند. در مقابل، داشتن نگرش منفی به جامعه، تبعات و پیامدهایی دارد که مهم‌ترین آن رفتار جامعه‌گریز افراد است. منشأ چنین نگرش منفی به جامعه، چندان روشن و شناخته شده نیست، ولی از موارد غیرقابل انکار، نگاه منفی والدین به عرصه‌های اجتماعی و تسری چنین دیدگاهی به فرزندان است و نتیجهٔ آن تربیت نسلی است که پیوندهای اجتماعی‌اش، محکم و استوار نبوده و به تبع آن، تجربیات کافی نیز برای شروع زندگی ندارد. نکتهٔ قابل ذکر آنکه در همهٔ شرایط نمی‌توان با خوشبینی به جامعه، زندگی را مدیریت کرد، بلکه بستگی به شرایط و اوضاع و احوال اجتماع دارد. این مطلب را حضرت علی علیه السلام در کلامی گهربار چنین فرموده‌اند: «هرگاه نیکوکاری بر روزگار و مردم آن غالب آید، اگر کسی به دیگری گمانی بد برد، در حالی که از او عمل زشتی آشکار نشده، ستمکار است و اگر بدی بر زمانه و مردم آن غالب شود و کسی به دیگری خوش گمان باشد، خود را فریب داده است»^۱.

۲ ترغیب به ارتباط مؤثر: از ویژگی‌های تربیت اجتماعی، ایجاد انگیزه در کودکان و نوجوانان برای داشتن

ارتباط آگاهانه، مؤثر و سالم با دیگران است. والدین پیش از مربیان و معلمان، در این زمینه ایفاگر نقش سازنده‌ای هستند، زیرا با گفتار و کردار خود، می‌توانند سهم تعیین‌کننده‌ای در فرایند اجتماعی شدن فرزندان داشته باشند.

در بخشی از کلام امام علی علیه السلام به این موضوع تأکید شده است. حضرت می‌فرماید:

«چون برادرت^۱ از تو جدا گردد، تو پیوند دوستی را برقرار کن، اگر روی برگرداند تو مهربانی کن و چون بخل ورزد تو بخشنده باش، هنگامی که دوری می‌گزیند، تو نزدیک شو، و چون سخت می‌گیرد، تو آسان گیر، و به هنگام گناهش، عذر او بپذیر، چنان که گویا بنده او می‌باشی، و او صاحب نعمت تو می‌باشد. با آن کس که با تو درستی کرده، نرم باش که امید است به زودی در برابر تو نرم شود؛ با دشمن خود، با بخشش رفتار کن^۲»

۳ تبیین شاخص‌های ارتباط اجتماعی: یکی از وظایف والدین در تربیت اجتماعی، تبیین دقیق معیارها و ضوابط دوست‌یابی و برقراری ارتباط اجتماعی برای فرزندان است.

به لحاظ اهمیت این بخش، فراهایی از نامه امام علی علیه السلام خطاب به فرزندشان امام مجتبی علیه السلام ذیلاً نقل می‌شود:

■ «دوست آن است که در نهان آیین دوستی را رعایت کند^۳».

■ «به کسی که به تو علاقه‌ای ندارد، دل مبنده^۴».

■ «ای پسر! نفس خود را میزان میان خود و دیگران قرار ده، پس آنچه که برای خود دوست داری، برای دیگران نیز دوست بدار، و آنچه را که برای خود نمی‌پسندی برای دیگران می‌پسند؛ ستم روا مدار، آن گونه که دوست نداری به تو ستم شود، نیکوکار باش، آن گونه که دوست داری به تو نیکی کنند و آنچه را که برای دیگران زشت می‌داری، برای خود نیز زشت بشمار و چیزی را برای مردم رضایت بده که برای خود می‌پسندی^۵».

۴ نیل به عزت اجتماعی: یکی از اهداف تربیت اجتماعی که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، دستیابی به منزلت و عزت در جامعه است. منظور از این هدف، تدبیر زندگی به گونه‌ای است که آدمی در مناسبات با دیگران، حتی‌المقدور کمترین میزان خواهش و تقاضا را از آنان داشته باشد. البته واضح است که با پیچیدگی روزافزون زندگی و گسترده شدن ارتباطات اجتماعی، نیاز مردم به یکدیگر بیشتر می‌شود و این واقعیتی است که نمی‌توان آن را انکار کرد، بلکه شایسته است انسان در تنظیم روابط اجتماعی، مینا و اساس را بر کاهش درخواست از دیگران پی‌ریزی کند تا عزت نفس‌اش حفظ شود و در صورت نیاز به مردم، از کسانی درخواست کند که دارای عزت نفس باشند.

در آموزه‌های دینی بر اهمیت عزت نفس و راه‌های دستیابی به آن تأکید شده است که ذیلاً به مواردی اشاره می‌شود:

■ پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «عزت مردم باایمان در بی‌نیازی از مردم است و آزادی و شرافت در پرتو قناعت به دست می‌آید^۶».

۱. منظور برادر دینی و دوست است.

۲. نهج البلاغه، نامه ۳۱، بند ۹۸-۹۹

۳. همان، بند ۱۱۰

۴. همان، بند ۱۰۴

۵. همان، بند ۵۴-۵۶

۶. الحدیث (روایات تربیتی)، ج ۲، ص ۲۷۲

■ امام علی علیه السلام به فرزند خود امام مجتبی علیه السلام فرمود:

«نفس خود را از هر پستی بازدار، هر چند تو را به اهداف رساند، زیرا نمی‌توانی به اندازه آبرویی که از دست می‌دهی، بهایی به دست آوری. برده دیگری مباش که خدا تو را آزاد آفریده است.»^۱

■ آن حضرت در ادامه نامه می‌نویسند:

«نگهداری آنچه که در دلت داری پیش من بهتر است از آنکه چیزی از دیگران بخواهی و تلخی ناامیدی بهتر از درخواست کردن از مردم است.»^۲

چهارم - مدیریت اقتصادی

از مهم‌ترین زمینه‌های تدبیر زندگی، داشتن مدیریت اقتصادی خانواده است. این جنبه از مدیریت به لحاظ متغیر بودن برخی مؤلفه‌های اقتصادی و نیز زمینه قرار گرفتن برای اشتغال جوانان، دارای اهمیت ویژه‌ای است. سازوکارهای اقتصادی از دو منظر قابل بررسی است؛ ابتدا یافتن راه‌هایی برای داشتن درآمد قابل قبول و ایجاد تعادل میان درآمدها و هزینه‌هاست تا در سایه آن، خانواده به نحو آبرومندانه‌ای اداره شود؛ دوم شیوه‌های آموزش به فرزندان در زمینه مربوط به تحصیل درآمد و رسیدن به استقلال اقتصادی است که از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در اقتصاد خانواده است و باید مورد توجه قرار گیرد. به بیان پاره‌ای از آنها ذیل اصول پیشنهادی می‌پردازیم.

اصول پیشنهادی

۱ **برنامه‌ریزی صحیح زندگی:** در سبک زندگی مطلوب، مدیریت زمان، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. داشتن برنامه مشخص و دقیق و استفاده از فرصت‌ها به خانواده امکان می‌دهد تا به خواسته‌های معتدل و منطقی دست یابد و ابعاد گوناگون زندگی را مورد توجه قرار دهد.

در آموزه‌های دینی به اهمیت برنامه‌ریزی در زندگی اشارات متعددی شده که از جمله آنها مطلب ذیل است: امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمودند: بکشید که وقت خود را به چهار بخش تقسیم کنید:

۱- بخشی برای مناجات با خدا، ۲- بخشی برای تأمین معاش زندگی، ۳- بخشی برای معاشرت با برادران و افراد معتمدی که عیوب شما را به شما معرفی کنند، و قلباً به شما اخلاص ورزند و ۴- بخشی برای تفریح سالم و کامیابی‌های مشروع که با این بخش [اخیراً]، برای سه بخش دیگر نیرو می‌گیرید. «و همین تفریح سالم، موجب ذخیره و شکوفایی و تجدید حیات خواهد گردید»^۳.

از نکات قابل توجه در بیان امام علی علیه السلام تأکید بر امر معاش و تأمین هزینه زندگی است که پس از بخش معنویات و ارتباط با خدا، قرار گرفته و هیچ خانواده‌ای از آن بی‌نیاز نیست. نکته دیگر تأکید بر امر مصاحبت و معاشرت با افراد بزرگوار و دارای اخلاق پسندیده است که بر شخصیت آدمی اثر گذارند و آخرین نکته، اهمیت دادن به بخش تفریحات سالم است که در صورت پرداختن به آن، بر سایر بخش‌های زندگی نیز نقش آفرینی می‌کند.

۲ **تکاپو برای روزی حلال:** خانواده‌هایی که در تلاش مستمر برای کسب درآمد بوده و انگیزه آنان به دست آوردن روزی حلال است، علاوه بر جلب رضای الهی و آبرومندی و سربلندی در دنیا، آثار درآمد حلال و پاکیزه را در زندگی خود می‌یابند و زندگی توأم با آرامش و امنیت را سپری می‌کنند.

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱، بند ۸۶-۸۷

۲. همان، بند ۹۰-۹۱

۳. گفتار دلنشین چهارده معصوم علیهم السلام، ص ۱۸۹

در تعالیم دینی بر کسب روزی حلال تأکید فراوان شده است و از جمله به دو مورد ذیل استناد می‌شود:
مورد اول: امام باقر علیه السلام از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده است که فرمودند: «عبادت هفتاد جزء است و از همه بهتر کسب روزی حلال است»^۱.

مورد دوم: موسی بن بکر از امام موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده است که فرمودند: «کسی که از پی روزی حلال برود تا خود و خانواده خود را بهره‌مند سازد، اجر او در پیشگاه الهی مانند اجر سربازی است که در راه خدا جهاد می‌کند»^۲.

۲ اعتقادداشتن به روزی الهی: انسان به گونه‌ای است که اگر باور داشته باشد که فقط خودش در کسب روزی نقش دارد، چنین اعتقادی ممکن است در مواردی موجب ناامیدی شود، زیرا اگر دستش از همه‌جا کوتاه شود و نتواند درآمد لازم برای خود و خانواده را تأمین کند، به‌زودی به یأس و ناامیدی گرفتار می‌شود ولیکن اعتقاد به این مطلب که دو منشأ و منبع برای روزی وجود دارد، در این صورت امیدش را از دست نخواهد داد. در این زمینه به کلام امام علی علیه السلام ذیلاً استناد می‌شود. حضرت در بخشی از نامه به امام مجتبی علیه السلام می‌فرماید: «پسرم، بدان که روزی دو قسم است؛ یکی آنکه تو آن را می‌جویی و دیگری آنکه او تو را می‌جوید، و اگر تو به سوی آن نروی، خود به سوی تو خواهد آمد؛ چه زشت است فروتنی به هنگام نیاز، و ستمکاری به هنگام بی‌نیازی، همانا سهم تو از دنیا آن اندازه خواهد بود که با آن سرای آخرت را اصلاح کنی. اگر برای چیزی که از دست دادی ناراحت می‌شوی، پس برای هر چیز که به دست تو نرسیده نیز نگران باش»^۳.

لازم به ذکر است که منظور از این کلام امام علیه السلام تلاش نکردن در راه کسب روزی نیست، بلکه این مطلب به نوعی مکمل تلاش انسان است و از طرف دیگر به تقویت رابطه عبد و معبود نیز می‌انجامد، زیرا باور حقیقی آدمی به اینکه روزی‌دهنده خداوند متعال است، موجب می‌شود که در همه مراحل زندگی، رضای او را در نظر گرفته و برخلاف او امر الهی کاری انجام ندهد.

۴ راه‌های افزایش روزی: از نام‌های خداوند متعال رزاق است، یعنی روزی‌رسان و او رساندن روزی موجودات را بر خود مقرر فرموده است و لیکن قواعد و مقرراتی را نیز برای گشایش و بسط روزی بندگان بیان فرموده که از جمله در قرآن کریم به آنها اشاره شده است، نظیر آیه زیر:
 «اگر مردم شهرها و آبادی‌ها ایمان آورده و تقوا پیشه می‌کردند، ما درهای برکات را از آسمان و زمین بر آنها می‌گشودیم»^۴.

امام حسن عسگری علیه السلام فرمودند: «اگرچه خداوند در نظام حکیمانه آفرینش، ارزاق مردم را تضمین فرموده است، ولی مبدا اندیشه ضمانت خداوند رازق مغروران سازد و شما را از انجام فریضه کار و تلاش بازدارد»^۵. این مطالب بیانگر واقعیتی مهم و قابل توجه است که روزی انسان‌ها، تابع اعمال و کردار آنان است. در برخی احادیث نیز به عوامل جلب روزی و سلب روزی اشاره شده که به دو مورد آنها از قول حضرت امام صادق علیه السلام ذیلاً استناد می‌شود:

مورد اول: «حُسن اخلاق، مایه افزایش روزی است»^۶.

۱. الحدیث (روایات تربیتی)، ج ۲، ص ۲۵۰

۲. همان

۳. نهج البلاغه، نامه ۳۱، بند ۱۰۶-۱۰۸

۴. اعراف: ۹۶

۵. الحدیث (روایات تربیتی)، ج ۲، ص ۸۱

۶. همان، ص ۸۰

مورد دوم: «گناه، مردم را از رزق (روزی) محروم می‌کند»^۱.

۵ نیل به استقلال اقتصادی: از آموزش‌های مفید و ضروری والدین به فرزندان، شیوه دستیابی به استقلال اقتصادی است. منظور از استقلال اقتصادی، کاستن وابستگی و اتکاء مالی به دیگران و متکی به خود و تلاش‌های جدی برای تأمین نیازهای مادی است.

در این راستا آشناساختن فرزندان با دو مفهوم «میان‌روی در مصرف» و «قناعت» می‌تواند نقش مهمی ایفا کند، منوط به آنکه والدین، خود عامل به آنها باشند. میان‌روی در مصرف، شیوه‌ای معقول در زندگی است که در نقطه مقابل مصرف‌گرایی، تجمل‌گرایی و رفاه‌طلبی قرار می‌گیرد. زیرا اعتدال در مصرف، موجب می‌شود که تعادل دخل و خرج برقرار شود. علاوه بر آن «قناعت» به‌عنوان شیوه‌ای اقتصادی که متکی به باورهای دینی است، موجب می‌شود که آدمی، آرزوهایی در سر نپروراند که در صورت برآورده‌نشدن آنها، احساس ناکامی و خُسران نماید. آموزه‌های دینی اسلام، سرشار از حکمت‌ها و بیانات معصومین علیهم‌السلام در باب قناعت است که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می‌شود:

امام علی علیه‌السلام فرمودند: «آن کس که میان‌روی کند، تهیدست نخواهد شد»^۲.

■ «قناعت، ثروتی است پایان‌ناپذیر»^۳.

■ «هر مقدار که قناعت کنی، کافی است»^۴.

یکی از وجوه قناعت، توجه به رابطه آن با حیات طیبه (زندگی پاک) است. زیرا در اندیشه دینی، دستیابی به زندگی پاک، یک آرمان و هدف متعالی است. در بیانات حضرت علی علیه‌السلام به این نسبت اشاره شده است. ایشان می‌فرمایند: «آدمی را قناعت برای دولتمندی و خوش‌خلقی برای فراوانی نعمت‌ها کافی است». از امام سؤال شد تفسیر آیه «فلنجیئنه حیاة طیبه»^۵ چیست؟ فرمودند: «آن زندگی با قناعت است»^۶. از بیان مذکور استفاده می‌شود که تأثیر قناعت در کانون خانواده و نیز محیط جامعه تا جایی است که آدمی را به منزلت زندگی پاک نائل می‌گرداند و بدیهی است برخورداری از زندگی پاک، به این معناست که حزن و اندوهی در میان نباشد و آرامش و امنیت بر فضای خانواده حاکم شود.

والدین می‌توانند با آموزش شیوه‌های قناعت و صرفه‌جویی به فرزندان و نیز رعایت ساده‌زیستی و پرهیز از تجملات و تشریفات، آنها را برای زندگی پاک آماده نمایند و اهتمام خانواده‌ها در سطح کلی، زمینه‌ساز جامعه‌ای خواهد بود که با کم‌کردن مصرف و پرهیز از لوکس‌گرایی، استقلال اقتصادی کشور را تأمین نمایند. در همین راستا، توجه به یک نکته حائز اهمیت است. والدین می‌توانند نیازهای واقعی فرزندان را در نظر گرفته و آنها را در حد وسع و توان خود تأمین کنند ولی از پذیرفتن نیازهای تفتنی و غیرضروری فرزندان خودداری نمایند و اساساً زمانی برای فرزندان، اقدام به خرید نمایند که آنها احتیاج جدی داشته باشند، چون در غیر این صورت، فرزندان چیزی را که هنوز نیاز جدی به آن ندارند یا به‌راحتی و سهولت در اختیارشان قرار گیرد، قدر نمی‌شناسند و در حفظ و نگهداری آن هم نمی‌کوشند.

۱. همانجا

۲. نهج‌البلاغه، حکمت، ۱۴۰

۳. همان، حکمت ۵۷

۴. همان، حکمت ۳۹۵

۵. سوره نحل، ۹۷

۶. نهج‌البلاغه، حکمت ۲۲۹

۶ حمایت از تولید ملی: یکی از مؤلفه‌های مدیریت اقتصادی خانواده، تلاش در راستای حمایت از تولید ملی است. بدیهی است هر کشوری که در دنیای متلاطم و ناپایدار امروز، بخواهد روی پای خود بایستد، ناگزیر خواهد بود که وابستگی سیاسی، اقتصادی، علمی، فناوری و اطلاعاتی‌اش را به سایر جوامع کم کرده یا قطع کند تا در صورت تهدید یا تهاجم قدرت‌های بیگانه، از نظر اقتصادی نیز خودکفا باشد و در مقابل محاصره اقتصادی و تحریم‌های مربوطه، دوام آورد.

خانواده‌ها برای حمایت از تولید ملی، دو راهکار اساسی پیش‌رو دارند؛ ابتدا اینکه برای خرید کالای ایرانی، عزم جدی داشته باشند و در صورت بالاتر بودن کیفیت کالای خارجی، مصمم به حمایت از تولید ملی باشند تا به تدریج در سایه مدیریت مطلوب دست‌اندرکاران، کالای ایرانی باکیفیت جایگزین کالای خارجی شود و علاوه بر رونق کسب و کار و اشتغال جوانان ایرانی، از خروج ارز به خارج کشور برای خرید کالای خارجی جلوگیری شود و وضعیت اقتصادی باثباتی در داخل کشور ایجاد شود. اقدام دوم خانواده‌ها در این راستا، آموزش به فرزندان برای حمایت از کالای ایرانی است، حمایت از کالای ایرانی از طرف مقام معظم رهبری، یک وظیفه ملی و همگانی است که کودکان و نوجوانان و جوانان با این رسالت مهم ملی آشنا شده و در زمان مقتضی بدان پایبند باشند.

البته تلاش تولیدکنندگان و صنعتگران داخلی نیز برای خلاقیت، ایجاد اعتلای کیفیت در زمینه‌های مختلف و جدیت برای رقابت با کالای مشابه خارجی نیز، باید مدنظر قرار گیرد.

پنجم – مدیریت اخلاقی و تربیتی

از جوه اثرگذار خانواده در فرزندان، مدیریت اخلاقی و تربیتی است که در مقایسه با تأثیر سایر نهادها و مراکز فرهنگی و آموزشی، جایگاه ویژه و متمایزی را داراست. زوجین جوان نسبت به یکدیگر می‌توانند تأثیرات متقابل اخلاقی و تربیتی داشته باشند و با تولد فرزند در محیط خانواده، نسبت به او نقش تربیتی خود را ایفا نمایند. برای تحقق این نوع مدیریت، اصول ذیل پیشنهاد می‌شود:

اصول پیشنهادی

۱ توجه به نقش تربیتی ازدواج: باتوجه به فرایند ازدواج و شکل گرفتن نوع جدیدی از روابط دختر و پسر در کانون خانواده، هر کدام از زوجین به دوران تازه‌ای از تکامل شخصیت گام می‌نهند. احساس مسئولیت هر یک در قبال دیگری و نیز در برابر زندگی نوینی که آغاز کرده‌اند، از آنها منش و شخصیت جدیدی می‌آفریند که با قبل از ازدواج کاملاً متفاوت است، زیرا با به‌وجود آمدن حس مسئولیت به عنوان زن یا شوهر، هر کدام ناگزیرند با پختگی روحی و قوام فکری بیشتری با مسائل روبه‌رو شوند و به مرور زمان تجربیات تازه‌ای از زندگی بیاموزند که همچون کوله‌باری از آگاهی و تدبیر، پشتوانه بنیاد خانواده باشد. برای اینکه ازدواج از حیث تربیتی، همسران جوان را به رشد و بالندگی برساند، ضروری است که هر یک از دختر و پسر، چند گام از همسر خود در زمینه اخلاقی و تربیتی جلوتر باشند تا در صورت نیاز، شریک زندگی را به پیشرفت و تعالی فراخواند و چنانچه در مواردی همسر به روزمرگی و یکنواختی روی آورد، او را برانگیزد تا تحولی در خویش پدید آورد. دلبستگی عاطفی همسران در اوایل ازدواج، از حدت و قوت لازم برخوردار است تا به مدد علایق متقابل،

نفوذهای اخلاقی و تربیتی را پذیرفته و با آنها همراهی کند. علاوه بر این، داشتن ارتباط منظم با مراکز و محافل دینی و سیر مطالعاتی در زمینه معارف دین و تقویت پیوندهای دینی، قادر است خانواده جوان را از بی حاصلی و رکود رها کرده و به تحرک، پویایی و سرزندگی سوق دهد.

۲ **پرورش گرایش‌های فطری:** والدین جوان با تولد اولین فرزندشان، شاهد شور و نشاط جدیدی در خانواده هستند، ورود کودک به عرصه زندگی، با انگیزه‌های نوینی برای پدر و مادر همراه است که مهم‌ترین آنها، تربیت شایسته و مطلوب اوست. لازمه تربیت مطلوب، شناخت گرایش‌های فطری فرزند و پرورش آنهاست. براساس آموزه‌های دینی، کودکان از بدو تولد و به جهت فطرت پاک و الهی، به فضیلت‌های اخلاقی علاقه‌مندند و هر پدیده‌ای که جلوه‌ای از اخلاقیات داشته باشد، مورد علاقه آنان قرار می‌گیرد. به‌عنوان مثال، کودک فطرتاً به نیکی کردن به دیگران علاقه‌مند است و این گرایش از بدو تولد با او همراه است. نقش والدین در این زمینه، تشویق او به کارهای نیک، نشان دادن مصادیق کار نیک و آثار رفتار و عملکرد پسندیده است تا شخصیت او با ارزش‌های اخلاقی تکوین پیدا کند. نمونه دیگر در این زمینه، این است که کودک به خلاقیت و ابتکار علاقه ذاتی دارد و اگر چیزی بیافریند یا خلق کند، آن را دوست دارد، چون آن را بخشی از وجود خود می‌بیند. نقش والدین، جهت دادن به مسیر ابتکار و خلاقیت کودک است، تا نتیجه چنین تلاشی، مفید و آموزنده باشد.

علاقه وصف‌ناپذیر کودک به دانستن نیز نشانه دیگری از تمایل فطری او به دانایی و آگاهی است. والدین می‌توانند با رفتارهایی نظیر اهمیت دادن به پرسش‌های فرزند، هنر خوب شنیدن، به سؤال بیش از پاسخ اهمیت دادن و هر روز در اندیشه یک سؤال جدید بودن، مشوق او در این گرایش درونی و باطنی باشند و به دنیایی از پرسش که ذهن کودک را انباشته کرده، جهت و سمت و سوی مناسب بخشند.

۳ **ایجاد انس و آشنایی با محافل دینی:** برای اخلاقی بارآوردن فرزند، می‌توان از ابتدای دوره کودکی، او را با مجالس دینی آشنا کرد. البته انتخاب مجلس دینی و میزان حضور کودک باید متناسب با شرایط و مقتضیات او باشد تا احساس خستگی نکند و برای دفعات بعد نیز آمادگی داشته باشد. می‌توان برخی مشوق‌ها را نیز به گونه‌ای به او ارائه کرد که ارتباط با حضور و فعالیتش داشته باشد.

آشنایی فرزند با چنین محافل و مجالسی، به مرور زمان موجب انس و الفت شده و در سال‌های بعد وجود چنین علاقه‌ای باعث پیوند با دین می‌شود. ضمناً همراهی والدین با فرزند در رفتن به محافل دینی، نوعی هماهنگی میان علم و عمل آنان است، زیرا پدر و مادری که بر نقش تربیتی محافل دینی تأکید نموده و در مقام عمل نیز خود اقدام به حضور در آنها می‌کنند، این التزام علم و عمل در زوایای روحی و فکری فرزند تأثیرات پایداری برجای خواهد گذاشت و هرگز از ذهن و خاطره فرزند محو نخواهد شد.

۴ **تقویت رابطه با خدای متعال:** همان‌گونه که فرزند در درون، گرایش به فضیلت دارد و رفتار اخلاقی را بر رفتار غیراخلاقی ترجیح می‌دهد، گرایش درونی و ذاتی نیز به خداوند متعال داشته و در عمق فطرتش با او احساس پیوند و دلبستگی می‌کند. لازمه تربیت شایسته این است که والدین او را به تدریج با آثار لطف و نعمت‌های الهی آشنا کنند تا از طریق آنها با خداوند آشنایی اجمالی پیدا کند و در زندگی‌اش، خداوند را در عالی‌ترین جایگاه قرار دهد و خود را همواره در محضر او ببیند و در حل مشکلات از او یاری بخواهد. در همین زمینه بجاست به یک نمونه تاریخی اشاره شود؛

دانشمند بزرگ شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا می‌گوید: «هر زمان برایم مشکلی علمی پیش می‌آمد و از حل آن عاجز می‌ماندم، به مسجد شهر می‌رفتم و دو رکعت نماز بجا می‌آوردم، سپس از خداوند می‌خواستم مرا به وسیله نور آن نماز یاری دهد تا گره از مشکلم باز کند. پس از ادای آن دو رکعت، راه حل مشکل برایم

آسان می‌شد و به آنچه می‌خواستیم می‌رسیدم».

در این زمینه می‌توان از بیانات حضرت امام سجاد علیه السلام در زمینه حق فرزند استفاده کرد. آن حضرت می‌فرماید: «و اما حق فرزندی بر تو این است که بدانی در پیشگاه خدا و در مورد فرزندی در این زمینه از تو سؤال خواهد شد: ۱- از تربیت شایسته فرزند، ۲- از راهنمایی کردن فرزند به سوی خدا و پروردگارش و ۳- از یاری کردن او در زمینه اطاعت از خداوند» منظور این است که انسان باید فرزندش را علاوه بر تربیت شایسته و نیکو، با خدای تعالی آشنا نموده و [زمان رسیدن به سن تکلیف] او را برای عبادت خداوند، یاری و راهنمایی کند.

در این راستا و به منظور روشن شدن حدود و مرزهای تربیت دینی فرزند، به بیان روایت زیر می‌پردازیم: امام باقر علیه السلام در حدیث مفصلی وظایف اولیای اطفال را در سنین مختلف بیان فرموده‌اند: «در سه سالگی کلمه توحید (لا اله الا الله) را به طفل بیاموزند».

در چهار سالگی «محمد رسول الله» را به او یاد دهند.

در پنج سالگی رویش را به قبله متوجه کنند و به او بگویند سر به سجده بگذارد.

در شش سالگی کامل، رکوع و سجده صحیح را به او بیاموزند.

و در هفت سالگی به طفل گویند: دست و رویت را بشوی و نماز بگذار^۳

به نظر می‌رسد با توجه به احادیث و روایات تربیتی، نقش اصلی تربیت برعهده پدر بوده و مادر در راستای هماهنگی با پدر در تربیت فرزند، مساعدت و یاری می‌کند. البته این امر در مواردی صادق است که پدر بر مبنای موازین دینی به تربیت فرزند اقدام کند.

۵ تقویت مهارت نه گفتن: کودکان و نوجوانان هر جامعه، در برابر تهدیدهای اخلاقی نیازمند کسب مهارت‌هایی

هستند که از جمله آنها مهارت «نه گفتن» است. تهدیدهای مذکور که در غالب موارد به صورت دلفریب و ظریف جلوه می‌کند، بر نوجوانان بیش از سایر گروه‌های سنی اثرگذار است و به شکل پیشنهاد ارائه می‌شود، نظیر سیگار کشیدن، استفاده از مواد مخدر، دوستی با افراد بزرگسال، رفتن به محیط‌های خلوت، پارتی‌های شبانه، دوستی با جنس مخالف و سرقت و مانند آنها و حتی در موارد زیادی مبلغ پولی نیز در اختیار آنان قرار می‌دهند تا به جهت وسوسه پول، کار مورد انتظار را برایشان انجام دهند.

نکته قابل توجه دیگر اینکه برخی باندها و گروه‌های خلاف کار و بزهکار از ظاهر نسبتاً شیک و مرتبی برخوردارند و نیز از خودروهای مدل بالا و موتورسیکلت‌های گران‌قیمت استفاده می‌کنند و درصدد القای این مطلب به کودکان، نوجوانان و جوانان هستند که اگر پیشنهاد کاری آنها را قبول کنند یا خود را در اختیار آنها قرار دهند، به زودی صاحب چنین امکاناتی خواهند شد.

متأسفانه معدودی از کودکان و نوجوانان به جهت فقدان تجربه اجتماعی و شناخت ضعیفی که از عوامل فریبکار دارند، به سادگی در دام آنها می‌افتند و پاکی و معصومیت خود را از دست می‌دهند و پس از مدتی از کانون اصلاح و تربیت یا ندامتگاه سردر می‌آورند. آنچه در این زمینه به عنوان مسئولیت اصلی والدین مطرح است، آشناساختن فرزندان با موقعیت‌ها و شرایط اجتماعی و اخلاقی جامعه است به گونه‌ای که قادر باشند با اعتماد به نفس کافی به پیشنهادهای فریبکارانه «نه» بگویند و در مقابل وسوسه‌ها، استقامت کنند و چنانچه در مسئله‌ای دچار تردید شدند با والدین در میان گذارند و از فکر و تجربه آنان استفاده نمایند و در نهایت بدانند

۱. هزارویک نکته درباره نماز، ص ۲۶۲

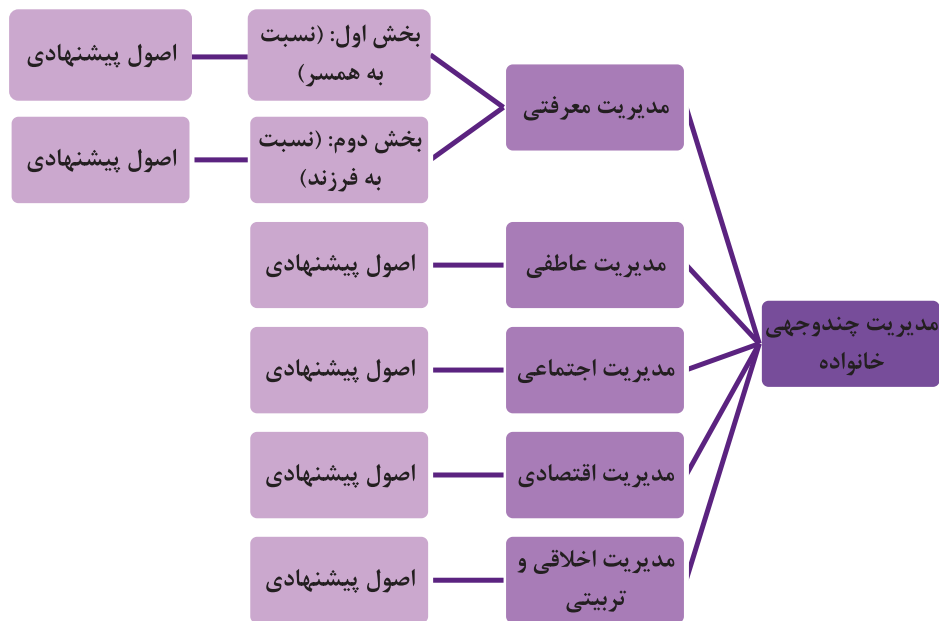
۲. رساله حقوق امام سجاد (ع)، حق فرزند

۳. الحدیث (روایات تربیتی)، ج ۳، ص ۸۱

اگر موافقت با خواسته این افراد در حکم مخالفت با خدا، وجدان و اخلاق است، حتماً از آنها دوری گزینند و در حلقه دوستی با آنها درنیایند. این مطلب در بیانات حضرت علی علیه السلام این گونه بیان شده است: «لا طاعة للمخلوق، فی معصية الخالق^۱» یعنی «هیچ اطاعتی از مخلوق در نافرمانی پروردگار روا نیست.» راهکار پیشنهادی دیگر به کودکان و نوجوانان، رعایت دقت در انتخاب دوست است، زیرا انسان را به دوستانش می شناسند، لذا انتخاب دوستان خلاف کار به معنای این است که آدمی از اینکه او را خلاف کار بشناسند باکی ندارد. یکی از عبارات حضرت علی علیه السلام مؤید این مطلب است. ایشان در بخشی از نامه به یکی از کارگزاران حکومت می نویسند:

«از دوستی با بی خردان و خلاف کاران بپرهیز، زیرا هر کس را از آن که دوست اوست، می شناسند.^۲» به جهت اهمیت موضوع دوستی در زندگی انسان، به بخش دیگری از کلام حضرت علی علیه السلام اشاره می شود: «پسرم، از دوستی با احمق بپرهیز، زیرا که می خواهد به تو نفعی برساند، اما دچار زیانت می کند، از دوستی با بخیل بپرهیز، زیرا آنچه را که سخت به آن نیاز داری از تو دریغ می کند، از دوستی با بدکار بپرهیز که با اندک بهایی تو را می فروشد و از دوستی با دروغگو بپرهیز که او به سراب ماند، دور را به تو نزدیک و نزدیک را دور می نمایاند.^۳»

بر این اساس والدین و به ویژه پدران لازم است در مدیریت اخلاقی و تربیتی خانواده، فرزندان را با برخی از زمینه های به انحراف کشاندن نوجوانان و جوانان آشنا کنند و تدبیری بیندیشند که فرزندان با والدین احساس صمیمیت و دوستی نموده و آنها را محرم راز خود بدانند تا در مواجهه با تهدیدها، از ایشان کمک فکری بگیرند و قبل از وقوع آسیب ها و آلودگی های اخلاقی، در فکر پیشگیری برآیند.



طرحواره ۲- مدیریت چندوجهی خانواده در یک نگاه

۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۶۵

۲. همان، نامه ۶۹، بند ۹

۳. نهج البلاغه، حکمت ۳۸، بند ۲-۴

چالش‌ها و تهدیدهای خانواده

نهاد خانواده همچون هر نهاد زنده و در حال توسعه‌ای، در معرض برخی مشکلات و بحران‌ها نیز قرار می‌گیرد و لازمه مدیریت کارآمد و خردمندانه خانواده، شناخت آسیب‌های تأثیرگذار در زندگی و تلاش برای آسیب‌زدایی است و مهم‌تر از آن پیشگیری از بروز چنین آسیب‌هایی است. پاره‌ای از چالش‌ها و تهدیدهای جدی که خانواده با آنها ممکن است روبه‌رو شود، اجمالاً عبارت‌اند از:

۱ روند یکنواخت زندگی

یکی از اشتباهات همسران جوان آن است که فکر می‌کنند بعد از ده سال دیگر هیچ‌گونه خطری بنای زندگی‌شان را تهدید نمی‌کند و از این به بعد خانواده خودبه‌خود پایدار خواهد ماند. در حالی که هر نوع تدبیری برای حفظ و پایداری زندگی، محدود به سال‌های اول تشکیل خانواده نمی‌شود و برنامه‌ریزی برای پایداری و پویایی زندگی، امری است که تمامی سال‌های عمر را دربرمی‌گیرد. برنامه‌ریزی با انگیزه ایجاد تنوع، زندگی مشترک را از بی‌حالی و یکنواختی‌های می‌بخشد و به آن جاذبه و دلگرمی لازم برای ادامه مسیر را می‌بخشد. اگرچه زن و مرد هر کدام می‌توانند ابتکار عمل را در نوآوری و تنوع مطلوب برای زندگی مشترک به دست گیرند، ولی از مرد بیشتر از زن انتظار می‌رود تا با اقدام به موقع، زندگی را از دام یکنواختی و کسالت‌های می‌بخشد. توجه به علایق همسر، نقطه شروع خوبی برای متنوع ساختن روند زندگی است. مسافرت‌های کوتاه، دیدار با بستگان و دوستان، خرید هدیه مورد علاقه، تغییر مطلوب در عادات روزانه و زندگی، به یاری همسر شتافتن در امور مقدور و مرتبط و یادآوری زحمات طرف مقابل و ابراز سپاس و قدردانی از همسر، از پیشنهادهایی است که می‌تواند برای تنوع بخشیدن به خانواده، تأثیرگذار باشد.

۲ مقایسه‌های محنت‌آفرین

برخی دردها و آزارهای روحی، چنانچه به‌طور مداوم بر آدمی وارد شود، به تدریج او را از پای درمی‌آورد و به نوبه خود همسرش را نیز در معرض بی‌تابی و اضطراب قرار می‌دهد. مبنای پاره‌ای از این قبیل رنج‌ها، به مقایسه میان زندگی فرد با سایر زندگی‌ها مربوط می‌شود. به عنوان مثال زوج‌های جوانی که کمتر از یک دهه از عمر زندگی مشترکشان را سپری کرده‌اند، خود را با دوستان خانوادگی مقایسه می‌کنند که آنها توانسته‌اند خانه‌ای خریداری کنند و اینها هنوز مستأجرند یا از نظر اداری و شغلی، آنها پیشرفت خوبی داشته‌اند، ولی اینها هنوز در کارشان پیشرفت محسوسی نداشته‌اند و نظایر اینها. باید به خاطر داشت که چنانچه بنا بر مقایسه با دیگران گذاشته شود، آرامش زندگی از خانواده رخت برمی‌بندد، چون موضوعات و مسائل مورد مقایسه بسیار زیاد و زمینه برای رنج ناشی از مقایسه نیز پایان‌ناپذیر است. از بزرگان مطلبی نقل شده است با این مضمون که در مسائل معنوی و اخلاقی، خود را با افراد بالاتر و موفق مقایسه کنید تا انگیزه‌ای برای رشد خود داشته باشید و شما هم به افق‌والای معنوی و اخلاقی برسید و در مسائل مادی و دنیوی به پایین‌تر از خود بنگرید تا قدرشناس نعمت‌هایی باشید که به شما عطا شده است.

۳ معاشرت‌های آسیب‌زا

با وجود آثار سازنده معاشرت‌های سالم و مطلوب، نباید از تأثیرات مخرب معاشرت‌های ناسالم غافل بود، زیرا همان‌گونه که مجالست و مصاحبت فردی میان دو دوست آثار سازنده و مخرب را در صورت فراهم‌بودن شرایط داراست، معاشرت‌های خانوادگی ناسالم نیز در بردارنده آثار زیان‌بار است و بی‌احتیاطی همسران در این زمینه موجب انحطاط شریک زندگی‌شان و احیاناً به خطر انداختن تربیت فرزندانشان خواهد شد. در یکی از بیانات حضرت علی علیه السلام نسبت به این مطلب توجه داده شده است. ایشان خطاب به فرزندشان امام حسن مجتبی علیه السلام در خصوص جایگاه خانواده و فرهنگ پرهیز [از مخاطرات] می‌فرمایند: «سخت‌گیری در پوشش [زنان]، عامل سلامت و استواری آنان است. بیرون‌رفتن زنان [بدون رعایت پوشش مناسب] بدتر از آن نیست که افراد غیرصالح را در میانشان آوری^۱». عبارت اخیر، ناظر به این است که هرکسی را نمی‌توان به عنوان دوست و معاشر در محیط خانواده پذیرفت، زیرا اگر چنین فردی، ناصالح باشد، بر زندگی خانوادگی و موقعیت همسر و فرزند، اثرات سوئی بر جای خواهد گذاشت و چه بسا در مواردی به متلاشی شدن بنیان خانواده، بینجامد و یا دست‌کم به انحراف مسیر زندگی از راه اصلی منجر شود.

۴ عبور از خط قرمزها

آموزه‌های دینی برای حفظ سلامت فرد، خانواده و جامعه، مرزهایی را در زمینه روابط زن و مرد تعیین و تعریف کرده است که محدوده‌های مجاز و غیرمجاز از یکدیگر کاملاً قابل درک و تشخیص است. بر این اساس، روابط اجتماعی زن و مرد نامحرم در موارد ضروری به‌گونه‌ای دقیق مشخص شده و فراتر رفتن از آنها به مفهوم عبور از خط قرمزهاست. لذا زنان و مردان متأهل و مجرد، در محیط کار و اشتغال، موظف به رعایت تمامی موارد مذکورند و نتیجه مراعات کامل آنها، سلامت خانواده و جامعه و حتی فرد است. در این صورت ارتباط زنان و مردان شاغل در محیط اداری و سازمانی، از چارچوب مسائل کاری نباید فراتر رفته و جنبه خصوصی پیدا کند. پایبندی دختران و زنان شاغل و ملزم به رعایت عفاف و حجاب در فضاهای کار و اشتغال از یک‌سو و رعایت حریم نامحرم و پرهیز از نگاه خیره، معنادار، مستمر و طولانی به او، از طرف مردان و در نظر گرفتن همه نکات ضروری در این زمینه، شرط اصلی سالم ماندن خانواده‌ها و محیط جامعه است.

۵ فقدان مدیریت دنیای مجازی

استفاده از امکانات دنیای مجازی نظیر اینترنت و قابلیت‌های گسترده آن، امری اجتناب‌ناپذیر در عصر حاضر تلقی می‌شود. واقعیت امر این است که ظرفیت‌های علمی، پژوهشی و اطلاعاتی دنیای مجازی در سطح کلان و گسترده، زمینه دستیابی افراد را به سرعت و سهولت به آخرین داده‌های تحقیقاتی فراهم می‌کند. لذا این نوع بهره‌وری‌ها و کاربردها، چیزی نیست که بتوان از آن چشم پوشید ولیکن این تنها یک روی واقعیت است و روی دیگر واقعیت، تهدیدها و نگرانی‌های جدی ناشی از دنیای مجازی است، علاوه بر آن ماهواره در اعماق زندگی مردم کشورها به گونه‌ای نفوذ کرده است که به تغییر سبک زندگی منجر می‌شود و تهدیدهای جدی‌تری برای خانواده‌ها و جوامع به وجود می‌آورد. شناخت تهدیدهای موردنظر در محیط خانواده، باید

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱، بند ۱۱۶-۱۱۷

زمینه‌ای برای آسیب‌زدایی قرار گیرد. ذیلاً به برخی دغدغه‌های ناشی از دنیای مجازی اشاره می‌شود:

۱-۵- استحاله فرهنگی: این واقعیت را باید پذیرفت که دنیای غرب، هجوم گسترده فرهنگی خود را که از سال‌های پیش آغاز کرده بود، اینک به مدد فناوری جدید و در شعاعی بسیار وسیع، همچنان ادامه می‌دهد و در این راه از جاذبه‌های رنگ، تصویر، هیجان، تنوع و جلوه‌های رسانه‌ای بی‌نظیر برای جلب مخاطبان خود استفاده می‌کند و آن چیزی که در پشت ظواهر فریبنده دنیای مجازی، کمین کرده است، گسترش فرهنگ مطلوب قدرتمندان بزرگ و گسترش فرهنگ استکبار جهانی در سطح ملت‌هاست؛ زیرا حاصل تلاش غرب، اثبات برتری فرهنگ خود بر فرهنگ سایر ملت‌هاست. ادامه چنین روندی به عقب‌نشینی ملت‌ها از فرهنگ ملی خود و تسلیم شدن به فرهنگ غالب جهانی یا فرهنگ مسلط غرب است. استحاله فرهنگی در اینجا به معنای حل شدن فرهنگ‌های ملی و ذوب شدن تدریجی آنها و در نهایت پذیرش فرهنگ غرب است. رهبر معظم انقلاب در تحلیل این مسئله می‌نویسند:

«اگر یک ملت را از تاریخش، از گذشته‌اش، از فرهنگش، از شخصیتش، از مفاخر علمی و دینی و سیاسی و فرهنگی‌اش جدا کردند، این ملت آماده خواهد شد که هر چه بر سر او می‌خواهند بیاورند»^۱.

۲-۵- وابستگی روحی و روانی: ارتباط با دنیای مجازی، ابتدا به صورت آشنایی اولیه با امکانات و قابلیت‌های آن آغاز شده و احتمالاً به جست‌وجو در مسئله موردنظر ادامه یافته و انسان به خاطر کنجکاوی ذاتی‌اش، به سایر بخش‌ها و امکانات آن نیز ورود پیدا می‌کند، بخش‌هایی که نه پاسخ به سؤال اوست و نه برآورنده یک نیاز جدی در عرصه علم و پژوهش است، بلکه براساس تفتن و سرگرمی به مرور زمان به همه پایگاه‌ها و سایت‌ها دسترسی پیدا کرده و چه بسا جذابیت‌های ظاهری، تصویری و هنری او را به گونه‌ای دل‌بسته و مفتون می‌نماید که با آن مانوس شده و بخشی از زندگی او را به خود اختصاص داده و ساعات طولانی از شب و روزش، در ارتباط با دنیای مجازی خلاصه می‌شود و در نهایت همه زندگی او را تحت تأثیر خود قرار داده و از لحاظ روحی و روانی به نوعی وابستگی به دنیای مجازی پیدا می‌کند که تصور جدایی از آن برایش غیرممکن به نظر می‌رسد. از چنین حالتی با تعبیر «اعتیاد اینترنتی» نیز یاد می‌شود و منظور شاید این باشد که به تدریج اراده آدمی را از او سلب می‌کند و دیگر او نیست که دنیای مجازی را مدیریت کند، بلکه این دنیای مجازی است که او را اداره می‌کند.

۳-۵- کاهش ارتباط‌های میان‌فردی: یکی از کارکردهای اساسی خانواده، برقراری نظام ارتباط انسانی کامل میان اعضای آن است که شامل ارتباط والدین با یکدیگر، ارتباط والدین و فرزندان و ارتباط فرزندان با یکدیگر می‌شود. نفوذ گسترده و عمیق دنیای مجازی درون خانواده به نظام ارتباطی اعضا، آسیب جدی وارد کرده و در مواردی ارتباط‌های میان‌فردی را دچار اختلال می‌کند. تصور چنین منظره‌ای، نه تنها دور از واقعیت نیست بلکه در شماری از خانواده‌ها، شب‌هنگام که افراد در خانه حضور پیدا می‌کنند، ارتباط درون‌فردی که شامل ارتباط کلامی، ارتباط عاطفی و نظایر آنها باشد، به کمترین میزان خود می‌رسد و شاید تنها در حد سلام و احوالپرسی مختصر برگزار می‌شود ولی هرکدام از اعضای خانواده در همین زمان کوتاهی که دور هم جمع می‌شوند، مشغولیت اساسی‌شان، ارتباط با دنیای مجازی و متمرکز شدن بر تلفن همراه‌شان است و ابدأ توجهی به اطرافیان‌شان و نیازهای روحی و روانی آنها ندارند. به عبارت دیگر دنیای مجازی به تدریج جایگزین

۱. فرهنگ و تهاجم فرهنگی، ص ۱۶۸

۲. همان، ص ۱۲۱

دنیای ارتباط انسانی اعضای خانواده می‌شود و این جابه‌جایی به‌گونه‌ای پنهان و غیرمحسوس صورت می‌گیرد که کسی متوجه وخامت اوضاع و احوال خانواده و روابط عاطفی و کلامی از دست رفته نیست.

۴-۵- تعادل از دست رفته زندگی: زمانی که یکی از بخش‌های مربوط به کارکردهای خانواده، سهم بیشتر از حد ضرورت می‌خواهد، به معنای ضایع شدن سهم بخش‌های دیگر است. امور مختلف خانواده و مسئولیت‌ها و وظایف گوناگونی که فرزندان و به‌ویژه کودکان و نوجوانان برعهده دارند، باید از تعریف، جایگاه و سهم مشخصی برخوردار باشد و تخطی از هر کدام تعادل زندگی را درهم می‌ریزد.

آنچه براساس شواهد و تجربیات از زندگی بخش قابل توجهی از دانش‌آموزان به‌دست آمده، گویای این واقعیت ناگوار است که اشتغال و سرگرم شدن به گوشه‌های مجازی، دانش‌آموزان را از تمرکز بر درس و تحصیل بازداشته و از برنامه‌ریزی برای آینده دور می‌کند. این مسئله در دوره دوم دبیرستان که دانش‌آموزان با تراکم دروس مواجه‌اند و برای ورود به دانشگاه خود را آماده می‌کنند، نگرانی بیشتری ایجاد می‌کند و آینده تحصیلی، ورود به دانشگاه و موفقیت آنها را کاملاً تحت الشعاع قرار می‌دهد.

یکی از دانش‌آموزان سال آخر دبیرستان که خود را برای ورود به دانشگاه و موفقیت در کنکور آماده می‌کرد از تجربیات خود چنین نقل می‌کند که من به لحاظ دسترسی به اینترنت در خانه و مدرسه، دیگر نیازی نداشتم که از طریق گوشه‌های مجازی همراه نیز به شبکه وصل شوم و فقط با چندتن از دوستانم تماس و ارتباط پیامکی داشتیم ولی با شروع سال تحصیلی و چند ماه پس از آن، احساس کردم که از رقابتی درسی‌ام عقب افتادم و متوجه این واقعیت شدم که همین زمان‌های کوتاهی که خیلی به چشم نمی‌آید و من مشغول تماس یا ارسال پیامک به دوستانم بودم، رقابتی دیگرم از فرصت استفاده کرده و از من پیش افتادند. لذا تصمیم جدی برای خاموش کردن گوشه‌های مجازی گرفتم و زمانی که دو ماه بعد، پیشرفتم را با زمان قبل مقایسه کردم، نتیجه کار رضایت‌بخش بود زیرا توانسته بودم دوباره به فضای رقابت و پیشرفت درسی برگردم و جایگاه قبلی‌ام را از حیث تحصیلی و علمی به دست آورم.

۵-۵- ناشناخته بودن منبع ارتباط: ارتباط با دنیای مجازی با وجود گستردگی و دسترسی آسان به پایگاه‌ها و شبکه‌های گوناگون خارجی و داخلی، وسوسه‌انگیز و مخاطره‌آمیز است، زیرا برخی عبارات، پیام‌ها و تصاویر ارسالی از مراکز ناشناخته، دور یا نزدیک، درست و حقیقی به نظر می‌آید ولی واقعیت چیز دیگری است، به عبارت دیگر فاصله میان واقعیت و غیرواقعیت در دنیای مجازی، فاصله‌ای طولانی و غیرقابل تشخیص است، لذا دوستی‌هایی که از این طریق شکل می‌گیرد، باید با احتیاط با آنها مواجه شد.

انسان‌ها غالباً در اولین برخوردها، سعی دارند بهتر از آنچه هستند، به‌نظر برسند و همین امر، موجب می‌شود که نوجوانان و جوانان به جهت داشتن احساسات نیرومند و عواطف شدید، بیش از دیگران تحت تأثیر برخی القائات و تمجیدها قرار گرفته و واکنش مثبت نشان دهند و حلقه ارتباط با کسانی تشکیل شود که کاملاً ناشناخته بوده و در رابطه جدید دوستی با آنها، نوجوانان و جوانان، مسائل شخصی و خصوصی خود را در میان گذارند و به‌ویژه اگر طرف مقابل، جنس مخالف باشد این تأثیرگذاری نیز قوی‌تر خواهد بود و در نهایت ممکن است اطلاعات خانوادگی، اسرار داخلی زندگی، عکس‌های فردی و خانوادگی‌شان در اختیار کسانی قرار گیرد که بعداً برای مقاصد نادرستی، از آنها سوءاستفاده کنند و نوجوان دختر یا پسر در شرایطی قرار گیرد که اگر به خواسته نادرست و غیراخلاقی آنها پاسخ مثبت ندهد، آبرو و حیثیت خود و خانواده‌شان از دست برود یا عاملی برای فشار و اخاذی علیه دختران و پسران ناآگاه و معصوم باشد و چنانچه به برخی از خواسته‌های غیراخلاقی عوامل فشار، تن در دهند، به اموری وادار شوند که راه برگشت برای آنها دشوار باشد.

با استناد به برخی پژوهش‌ها می‌توان گفت که غالب ازدواج‌هایی که منشأ آشنایی دختر و پسر، دنیای مجازی بوده است، با ناکامی مواجه شده‌اند، زیرا طرفین شناخت کامل و دقیقی از یکدیگر نداشته یا دخترانی که در جریان ازدواج‌های اینترنتی به ناکامی و بن‌بست رسیده‌اند، به سادگی به طرف مقابل اعتماد کرده‌اند، طرف مقابلی که از ابتدا با قصد اغفال، کلاهبرداری و سوءاستفاده از احساسات پاک دختران، دست به چنین اقدامی زده‌اند.

۶ ضعف مبانی دینی و اخلاقی: یکی دیگر از تهدیدهای جدی که خانواده‌ها و به‌ویژه زوج‌های جوان را هدف قرار می‌دهد، آشنابودن به مبانی اندیشه دینی و نداشتن چارچوب مشخصی از ارزش‌های اخلاقی است. این مسئله از جهات مختلفی قابل بررسی است؛ اگر زنان جامعه برای رشد و تعالی شخصیت خود، از مبانی دینی و آموزه‌های اسلام، الگوی زن کامل را انتخاب کنند و همان‌گونه که در بیانات معصومین علیهم‌السلام، حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام سرور زنان جهان نامیده شده، ایشان را اسوه خویش قرار دهند، دیگر خلائق باقی نمی‌ماند که فرهنگ غرب برای بانوان مسلمان، دست به انتخاب الگو زند. به تعبیر رهبر معظم انقلاب: «حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام در قلّه بشریت قرار دارد و کسی بالاتر از او نیست و می‌بینیم که آن بزرگوار به عنوان یک بانوی مسلمان، این فرصت و قدرت را یافت که خودش را به این اوج برساند^۱.

از سوی دیگر با تأکیدهای زیاد دین اسلام بر حفظ و حراست از نهاد خانواده و مسئولیت متقابل زن و مرد در این راستا، ناآشنایی به ارزش‌های اخلاقی و ندانستن حدود و مرزهای ارتباط انسانی با جنس مخالف، زمینه را برای سست شدن نظام خانواده فراهم می‌کند.

امروزه توده معمولی مردم آمریکا و اروپا - نه قدرتمندها و تبلیغات آنان - از سست بودن بنیان خانواده، رنج می‌برند. زن‌ها و مردها در یک حد از متلاشی شدن خانواده‌ها رنج می‌برند و ناراحتند و این، روزبه‌روز تشدید می‌شود و البته آخرین ضربه است. خانواده، محل آسایش انسان است، هیچ انسانی، بدون داشتن یک خانواده آسوده و آرام و راحت، مره زندگی و طعم واقعی حیات انسانی را نخواهد چشید. اینها این بنیان اصیل را متلاشی و منهدم می‌کنند و از بین می‌برند، این، فرهنگ غربی است. نتیجه این آزادی و بی‌بندوباری و اختلاط زن و مرد، همین مسائل است^۲.

این نکته قابل توجه است که آموزه‌های اسلام برای حفظ و تقویت نهاد خانواده، تأکید جدی بر پیشگیری دارد. به عبارت دیگر می‌آموزد که زن و مرد در کانون زندگی مشترک، چگونه می‌توانند با شیوه‌های تربیتی و عاطفی نظیر دادوستد عاطفی یکدیگر را از نظر نیازهای روحی تأمین کنند. تعالیم دینی به دختر و پسر می‌آموزد که قبل از ازدواج درباره یکدیگر کاملاً تحقیق و بررسی کنند و با شناخت وارد زندگی مشترک شوند، ولی پس از ازدواج، اگر ضعف‌ها و کمبودهایی از هم مشاهده کردند، چشم‌پوشی کنند تا زندگی برای‌شان گوارا باشد. این تعالیم به دختر و پسر می‌آموزد که قبل از پیمان عقد و ازدواج، فرصت انتخاب دارند، اما اگر انتخاب کردند و پیوند زندگی مشترک میان آنها منعقد شد، باید از هر جنس مخالف دیگری که در مسیر زندگی یا آشنایی آنها قرار می‌گیرد چشم‌پوشند و به همسرشان وفادار بمانند. همین تعالیم اسلامی به زوج‌های جوان می‌آموزد که اگر از ابتدای زندگی مشترک، نماز را به‌گونه‌ای بجا بیاورند که با حضور قلب بوده و در اول وقت اقامه نمایند و یکدیگر را به تقویت ارتباط با خدا توصیه و سفارش نمایند، زندگی‌شان از هر تهدید و مخاطره‌ای حفظ خواهد شد^۳.

۱. زن از دیدگاه مقام معظم رهبری، ص ۶

۲. فرهنگ و تهاجم فرهنگی، ص ۱۱۶

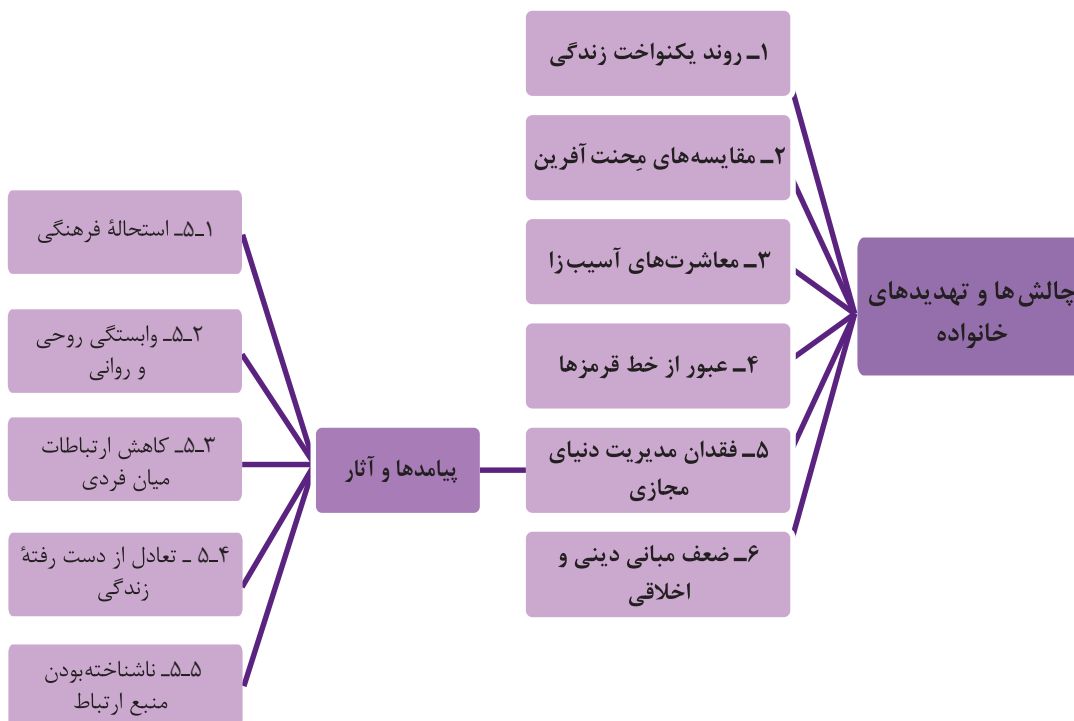
۳. برای آشنایی بیشتر با تأثیر نماز در زندگی زوج‌های جوان رجوع کنید به: «شکفتن با نماز» از دکتر محمدرضا شرفی که در سال ۱۳۹۶ از طرف ستاد اقامه نماز استان تهران منتشر شد.

اصول پیشنهادی

در مواجهه با چالش‌ها و تهدیدهای خانواده و به‌ویژه دنیای مجازی، توصیه‌های زیر به خانواده‌ها و نوجوانان و جوانان ارائه می‌شود:

- 1 یکی از عوامل گرایش افراطی فرزندان به دنیای مجازی و ارتباط بی‌رویه با آن، نامساعدبودن فضای صمیمی و دوستانه در خانواده است. زمانی که جذابیتی در محیط زندگی نباشد، احتمال دارد فرزندان برای دورنگهداشتن خود از محیط سرد خانواده به دنیای مجازی پناه ببرند، که البته شاید چنین کاری قابل توجیه نباشد، آنها می‌توانند به سهم خود تغییرات مطلوبی را نیز به وجود آورند. با این حال به والدین توصیه می‌شود با بررسی مشکلات ارتباطی در خانواده، تدابیر لازم را اتخاذ کنند و بر جذابیت کانون زندگی خویش بیفزایند.
- 2 تعریف و تبیین مرزهای مجاز برای ارتباط با دنیای مجازی نیز یک ضرورت است؛ زیرا چنانچه چارچوب دقیقی برای آن تعریف نشود، راه سوءاستفاده از آن باز خواهد شد. یکی از اقدامات مؤثر و ضروری، اقدام انجمن اولیاء و مربیان مدارس برای تهیهٔ بروشوری است که حاوی معرفی سایت‌ها و پایگاه‌های مختلف علمی در زمینه‌های مختلف آموزشی و پژوهشی برای دانش‌آموزان است، زیرا با تهیه و تدوین چنین راهنمایی برای دانش‌آموزان، از سرگردانی آنها در دستیابی به آنچه که لازم دارند، کاسته خواهد شد.
- 3 باتوجه به این واقعیت که تنهایی و بی‌برنامگی، زمینه‌ای برای وسوسه‌پذیری نوجوانان و جوانان است، لذا به خانواده‌ها از این جهت توصیه می‌شود که تدابیری بیندیشند که فرزندان در خانه تنها نباشند و اگر ضرورت اقتضا داشت که تنها باشند برای آنها برنامه‌ریزی کنند که در خلال تنهایی، به انجام کار و فعالیت مشغول باشند، زیرا سرگرم‌شدن به هر فعالیت سالم و سودمند می‌تواند راهی در جهت مقابله با تهدیدهای دنیای مجازی باشد.
- 4 نقش‌سازندهٔ مدیریت زمان در همهٔ بخش‌های زندگی، آشکار و مشهود است. در حقیقت برنامه‌ریزی یا مدیریت زمان به هر فرد این امکان را می‌دهد تا براساس زمان موجود و مفید خویش به نیازهایش پاسخ دهد و زمانی این امکان را می‌یابد که نیازها را در ظرف زمانی قرار دهد که اولویت‌های زندگی معلوم باشد. بدیهی است دنیای مجازی می‌تواند فقط بخش محدود و کوچکی از زندگی روزانه را به خود اختصاص دهد و زمان آن را نیز دقیقاً باید معلوم کرد، و در صورت تخطی از زمان تعیین‌شده، باید برای جبران بخش‌های دیگر اقدام نمود. چنانچه برای دنیای مجازی، زمان موردنظر را تعریف و تعیین نکنیم، احتمالاً بخش اعظم زندگی ما را فرا خواهد گرفت و در این صورت مجالی برای کارهای بزرگ‌تری که در پیش داریم باقی نخواهد ماند.
- 5 مدیریت دنیای مجازی نیاز به این دارد که ابتدا مشخص کنیم که به دنبال چه چیزی هستیم و در حقیقت، مسئلهٔ اصلی ما چیست که برای پاسخ به آن، نیاز به اطلاعات و داده‌های موردنظر داریم. با ذکر مثالی شاید بتوان این مطلب را بهتر توضیح داد. چنانچه قصد خرید از یک مجتمع فروشگاه‌های بزرگ را دارید و بودجه کافی نیز برای تهیهٔ اقلام را داشته باشید، عاقلانه‌ترین راه این است که فهرست نیازمندی‌های خود را تهیه کنید و با همراه‌داشتن آن به فروشگاه موردنظر خود مراجعه کنید. در این صورت نه تنها در میان چنین مجتمع بزرگی، سرگردان نخواهید شد، بلکه در کوتاه‌ترین زمان، قادرید نیازمندی‌های خود را تهیه نمایید.
- 6 برای ورود به دنیای مجازی نیز، ابتدا و قبل از هر کاری، مشخص کنید که دقیقاً دنبال چه چیزی هستید. در غیر این صورت، باید بدانید پس از ساعت‌ها پرسه‌زدن در دنیای مجازی، با صرف وقت زیاد و بی‌نتیجه، چیزی جز خستگی و ملالت برای شما باقی نخواهد ماند.
- 7 از مبادلهٔ اطلاعات و اسرار شخصی و ارسال عکس، با کسی که در دنیای مجازی با او آشنا شده‌اید،

خودداری کنید، زیرا تجربیات سال‌های اخیر بیانگر این است که موارد قابل توجهی از کلاهبرداری‌ها، اغفال دختران و پسران جوان، فریب‌دادن افراد ساده‌دل، استفاده از اهرم فشار برای اخاذی، زمینه‌های اولیه‌ی اعتیاد به موادمخدر، دوستی‌های نامشروع، خواستگاری‌ها و ازدواج‌های نافرجام از رهگذر دوستی‌ها در دنیای مجازی به وقوع پیوسته است.



طرحواره ۳- چالش‌ها و تهدیدهای خانواده در یک نگاه

پس از تشکیل خانواده، موضوع مهم و اساسی حفظ و تقویت نهاد نوپای خانواده است. زیرا خانواده، سازمان زنده و پویایی است که نیاز به محافظت و مراقبت جدی دارد و اصطلاحاً در این مجموعه، که با عنوان «مدیریت خانواده» از آن یاد می‌شود، معلوم شد که خانواده برای دستیابی به سعادت، عدالت و رضایت باید مدیریت شود.

مدیریت مطلوب و کارآمد خانواده، در پنج محور با عناوین مدیریت معرفتی، مدیریت عاطفی، مدیریت اجتماعی، مدیریت اقتصادی و مدیریت اخلاقی و تربیتی مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

در میان محورهای مذکور، به لحاظ اهمیت مدیریت معرفتی، آن را ذیل دو بخش در ارتباط با همسر و در ارتباط با فرزند بررسی نمودیم. آنچه مسلم و غیرقابل انکار است، سهم بالایی است که معرفت و شناخت در زندگی خانوادگی ایفا می‌نماید. شناخت ویژگی‌های روحی همسر، موجب مدیریت عاطفی مطلوب در خانه می‌شود و نیز شناخت ویژگی‌های روحی فرزند، زمینه‌ساز تربیت رشید و بالنده اوست تا به سرحد کمال دست یابد. برای هر یک از مدیریت‌های مذکور، اصول پیشنهادی در نظر گرفته شد که شامل توصیه‌ها و راهکارهایی در زمینه حسن اجرای مدیریت خانواده است.

در بخش دیگری از مطالب، به بررسی چالش‌ها و تهدیدهای خانواده پرداختیم، بدیهی است همان‌گونه که یک سازمان در پرتو مدیریت کارآمد، به رشد و پویایی می‌رسد، چنانچه آن را به حال خود رها کنیم، دچار فرسودگی، خوردگی از درون و زوال تدریجی می‌شود، لذا باید ابتدا مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده خانواده را به درستی شناخت و در ادامه به راهکارهای خروج از تنگناها و معضلات فراروی خانواده اشاره کرد.

خودیابی و خودارزیابی

- ۱ موضوع «سعادت» را از دیدگاه اندیشمند دیگری، بیان نموده و آن را با تعریف مطرح شده از سعادت در این کتاب مقایسه کنید.
- ۲ منظور از اینکه «همسر و فرزند» نور چشم انسان باشند، دقیقاً چیست؟ آیا می‌توانید تشبیه دیگری در این زمینه ارائه دهید؟
- ۳ در مواجهه انسان با تفاوت‌ها و تمایزهایی که با همسرش دارد، چه پیشنهادی دارید؟ آیا ممکن است تفاوت‌ها و تمایزهای مذکور به جای «تهدید»، یک «فرصت» باشد؟
- ۴ در زمانی که همسران به‌ویژه زوج‌های جوان «با مشکلی» در روابط میان خود، مواجه می‌شوند از وجود «فصل مشترک‌های میان آنها» چه استفاده‌ای می‌توان به عمل آورد؟
- ۵ زوج‌های جوان در ابتدای «راه زندگی» چگونه می‌توانند اعتماد همسرشان را به شخصیت خود جلب کنند؟
- ۶ مهم‌ترین ویژگی کسانی که در مشکلات خانوادگی «تاب‌آوری» بیشتری دارند، چیست؟ در این مورد بحث کنید.
- ۷ آیا علاوه بر خودآگاهی‌های پنج‌گانه‌ای که در این فصل مطرح شد، خودآگاهی دیگری به نظرتان می‌رسد که قابل بحث و بررسی باشد؟ آیا منبعی در این زمینه سراغ دارید؟
- ۸ چه تفاوت مهم و اساسی میان «خودآگاهی ملی» و «خودآگاهی جهانی» وجود دارد؟
- ۹ استاد مطهری در بیان تفاوت «عارف» و «فیلسوف» چه دیدگاهی دارد؟ آیا علاوه بر آن، تفاوت دیگری میان این دو به نظرتان می‌رسد؟ لطفاً بحث کنید.
- ۱۰ میان «مدیریت عاطفی» و «مدیریت اخلاقی» خانواده چه رابطه‌ای وجود دارد؟ اساساً رابطه عاطفه و اخلاق به نظر شما چیست؟
- ۱۱ امام علی علیه السلام در تبیین شاخص‌های ارتباط اجتماعی بر چه نکاتی تأکید می‌کنند؟ آیا نکته دیگری به نظرتان می‌رسد که دوست دارید، بیان کنید؟ آنها کدام‌اند؟
- ۱۲ در خصوص مدیریت «دنیای مجازی»، آیا پیشنهادات تکمیلی به نظرتان می‌رسد؟ لطفاً آنها را بیان نمایید.

- ۱ قرآن کریم. (۱۳۸۰). ترجمه مهدي الهی قمشه‌ای. قم: انتشارات الهادی.
- ۲ ابن سینا. حسین بن عبدالله (۱۳۸۸) *مجموعه رسائل*. تهران: انتشارات اشراق.
- ۳ ارسطو. (۱۳۶۸). *اخلاق نیکوماخوس*. ترجمه ابوالقاسم پورحسینی. جلد دوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۴ استال. سیلوانوس. (۱۳۵۶). *آنچه یک جوان باید بداند*. ترجمه دکتر نصرت‌الله قاسمی. تهران: شرکت انتشارات کتاب‌های جیبی.
- ۵ استون و جمعی دیگر از نویسندگان. *نانوانی‌های جنسی و طریقه درمان آنها*. تهران: بی‌نام.
- ۶ استیس. وب (۱۳۷۰). *گزیده مقالات فلسفی*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۷ اسوت ماردن. لویی. (۱۳۵۰). *پیروزی فکر*. ترجمه رضا سیدحسینی. تهران: انتشارات آرمان.
- ۸ الراغب الأصفهانی. (۱۳۲۴ ق) *المفردات فی غریب القرآن*. بیروت: دارالمعرفه.
- ۹ باخ. ریچارد. (۱۳۹۶). *جانان مرغ دریایی*. ترجمه سلماز بهگام. چاپ چهارم. مشهد: انتشارات ترانه.
- ۱۰ بوخنسکی. ی.م. (۱۳۶۱). *مقدمه‌ای بر فلسفه*. ترجمه محمدرضا باطنی. چاپ اول. تهران: نشر نو.
- ۱۱ جواد آملی. عبدالله (۱۳۶۳). *تفسیر موضوعی قرآن*. جلد اول. قم: مرکز انتشارات اسراء.
- ۱۲ _____ (۱۳۹۲). *مفاتیح الحیاه. چاپ یکصدوسی و شش*. قم: مرکز نشر اسراء.
- ۱۳ چونگ. کیم وو. (۱۳۹۶). *سنگفرش هر خیابان از طلاست*. ترجمه آرمین هدایتی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.
- ۱۴ حسابی. ایرج. (۱۳۹۶). *استاد عشق (نگاهی به زندگی و تلاش‌های پروفیسور سید محمود حسابی)*. پدر علم فیزیک. چاپ هشتم و پنجم. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۵ حسینی طهرانی. سیدمحمد حسین. (۱۴۰۷ ق). *لمعات الحسین* (برخی از کلمات و مواظ و خطب حضرت سیدالشهداء ابی عبدالله الحسین علیه‌السلام). تهران: انتشارات صدرا.
- ۱۶ خامنه‌ای. آیت‌الله سیدعلی. (۱۳۸۲). *فرهنگ. تهاجم فرهنگی و راه‌های مقابله در آیین رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی*. چاپ اول. تهران: مؤسسه فرهنگی قدر ولایت.
- ۱۷ خامنه‌ای. آیت‌الله سیدعلی. (۱۳۸۰). *زن از دیدگاه مقام معظم رهبری*. چاپ پنجم. تهران: نشر نوادر.
- ۱۸ خمینی (ره). (امام) سید روح‌الله. (۱۳۷۱). *چهل حدیث (اربعین حدیث)*. چاپ دوم. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۱۹ _____ (۱۳۷۷). *جوانان از دیدگاه امام خمینی (ره)*. تبیان آثار موضوعی. (دفتر شانزدهم). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۲۰ دیس. موریس. (۱۳۳۵). *بلوغ (از مجموعه چه می‌دانم؟)*. ترجمه حسن صفاری. تهران: انتشارات علمی.
- ۲۱ دورانت. ویل. (۱۳۷۳). *لذات فلسفه (پژوهشی در سرگذشت و سرنوشت بشر)*. ترجمه عباس زریاب‌خویی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۲۲ دورکیم. امیل. (۱۳۷۶). *تربیت و جامعه‌شناسی*. ترجمه علی محمد کاردان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۳ دهقان. اکبر. (۱۳۷۹). *هزارویک نکته از قرآن کریم*. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- ۲۴ _____ (۱۳۸۲). *یکصد و پنجاه موضوع از قرآن و احادیث اهل بیت*. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- ۲۵ دیلمی. حسین. (۱۳۹۲). *هزارویک نکته درباره نماز*. چاپ پانزدهم. قم: مؤسسه انتشارات حرم.
- ۲۶ رجالی تهرانی. علیرضا. (۱۳۸۷). *تمثیلات و تشبیهات در آثار استاد مطهری*. قم: بوستان کتاب.
- ۲۷ رخشاد. محمدحسین. (۱۳۸۷). *در محضر علامه طباطبایی (مجموعه پرسش‌ها و پاسخ‌های چهره به چهره با*

- علامه طباطبایی). قم: مؤسسه فرهنگی سماء.
- ۲۸ رضی. سید شریف. (۱۳۷۹). *نهج البلاغه*. ترجمه محمد دشتی. قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی بخشایش.
- ۲۹ زیباکلام. فاطمه. (۱۳۷۶). *سیر اندیشه فلسفی در غرب*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۳۰ ژاگو. پل. (۱۳۵۰). *قدرت اراده*. ترجمه کاظم عمادی. تهران: انتشارات معرفت.
- ۳۱ سیدی. حسین. (۱۳۸۵). *نگین هستی* (ناگفته‌هایی از زندگی و شخصیت پیامبر اکرم (ص)). قم: انتشارات خادم‌الرضا (ع).
- ۳۲ شرفی. محمدرضا. (۱۳۸۴). «تأملی نقدگونه در باب معنای غایی زندگی با تأکید بر آرای ویکتور فرانکل». تهران: فصل‌نامه علمی - پژوهشی *دانشکده روان‌شناسی*.
- ۳۳ _____ (۱۳۹۰). *دنیای نوجوان* (کندوکاوی در بازشناسی روحیات ۱۳ تا ۱۸ ساله‌ها). تهران: انتشارات منادی تربیت.
- ۳۴ _____ (۱۳۹۴). *جوان و بحران هویت*. چاپ هشتم. تهران: انتشارات سروش.
- ۳۵ _____ (۱۳۹۵). «تعلیم و تربیت اسلامی پیشرفته» (جزوه درسی منتشر نشده). دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- ۳۶ _____ (۱۳۹۶). «تعلیم و تربیت در نهج البلاغه» (جزوه درسی منتشر نشده). دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- ۳۷ شولتس. دوآن. (۱۳۶۹). *روان‌شناسی کمال* (الگوهای شخصیت سالم). ترجمه گیتی خوشدل. تهران: نشر نو.
- ۳۸ طباطبائی. سیدمحمدحسین. (۱۳۶۲). *ترجمه تفسیرالمیزان*. ترجمه سید محمدباقر موسوی‌همدانی. جلد یازدهم. تهران: کانون انتشارات محمدی.
- ۳۹ _____ (۱۳۶۳). *ترجمه تفسیر المیزان*. ترجمه سید محمدباقر موسوی‌همدانی. جلد بیست و چهارم. تهران: کانون انتشارات محمدی.
- ۴۰ _____ (۱۳۶۳). *ترجمه تفسیرالمیزان*. ترجمه سیدمحمدباقر موسوی‌همدانی. جلد بیست و پنجم. تهران: کانون انتشارات محمدی.
- ۴۱ _____ (۱۳۶۳). *ترجمه تفسیرالمیزان*. ترجمه سیدمحمدباقر موسوی‌همدانی. جلد سی و یکم. تهران: کانون انتشارات محمدی.
- ۴۲ _____ (۱۳۸۰). *سنن‌النبی (ص)*. تهران: انتشارات پیام آزادی.
- ۴۳ _____ (۱۳۸۶). *روابط اجتماعی در اسلام*. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۴۴ غفوری. علی. (۱۳۵۴). *راه و رسم زندگی از نظر امام سجاد(ع)* (ترجمه رساله حقوق). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۴۵ فرمهبینی‌فراهانی. محسن. (۱۳۷۸). *فرهنگ توصیفی علوم تربیتی*. چاپ اول. تهران: انتشارات اسرار دانش.
- ۴۶ فرهنگی. علی اکبر. (۱۳۸۲). *ارتباطات انسانی* (مبانی). جلد اول. چاپ ششم. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- ۴۷ فرید تنکابنی. مرتضی. (۱۳۷۳). *الحدیث* (روایات تربیتی). جلد دوم. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۴۸ _____ (۱۳۷۳). *الحدیث* (روایات تربیتی) جلد سوم. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۴۹ _____ (۱۳۷۴). *رهنمای انسانیت* (کلمات قصار حضرت رسول اکرم (ص)). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۵۰ قرائتی. محسن. (۱۳۸۳). *تفسیر نور*. جلد ششم. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

- ۵۱ _____ (۱۳۸۳). تفسیر نور. جلد هشتم. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- ۵۲ قرشی. سیدعلی اکبر. (۱۳۵۲) قاموس قرآن. جلد اول. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۵۳ قرشی. سیدعلی اکبر. (۱۳۵۴). قاموس قرآن. جلد چهارم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۵۴ کانت. امانوئل. (۱۳۷۰). تعلیم و تربیت. ترجمه غلامحسین شکوهی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۵۵ کیلانی. ماجد عرسان. (۱۳۸۹). فلسفه تربیت اسلامی. ترجمه. نقد و اضافات از بهروز رفیعی. چاپ اول. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۵۶ مایزر بلر. گلن و جونز. استیوارت. (۱۳۵۵) روان‌شناسی نوجوانی. ترجمه رضا شاپوریان. تهران: انتشارات سیمرغ.
- ۵۷ محمدی اشتهاردی. محمد. (۱۳۷۴). گفتار دلنشین چهارده معصوم علیهم‌السلام. تهران: انتشارات نشر بین‌الملل.
- ۵۸ محمدی ری شهری. محمد. (۱۳۶۵). میزان الحکمه. جلد دوم. قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۵۹ _____ (۱۳۶۵). میزان الحکمه. جلد نهم. قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۶۰ مزلو. آبراهام ایچ. (۱۳۶۷). انگیزش و شخصیت. ترجمه احمد رضوانی. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۶۱ مطهری. مرتضی. (۱۳۵۷). انسان در قرآن (مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی). جلد چهارم. قم: انتشارات صدرا.
- ۶۲ _____ (۱۳۸۹). داستان راستان. جلد اول. چاپ ششم. قم: انتشارات آدینه سبز.
- ۶۳ معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در نزا. (۱۳۷۸). حدیث ماندگاری. تهران: مرکز چاپ نمایندگی ولی فقیه در نزا.
- ۶۴ میننجر. ویلیام. (۱۳۵۰). خویشتن‌شناسی. ترجمه هوشنگ مستوفی. تهران: کتابخانه ابن سینا.
- ۶۵ موروا. آندره. (۱۳۵۹). درس‌هایی برای خوش زیستن در زندگی زناشویی. ترجمه حسینعلی هروی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۶۶ نصر. سیدحسین. (۱۳۵۹). نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت. چاپ سوم. تهران: شرکت انتشارات خوارزمی
- ۶۷ هالینگ دیل. ر.ج. (۱۳۶۴). مبانی و تاریخ فلسفه غرب. ترجمه عبدالحسین آذرنگ. چاپ اول. تهران: انتشارات کیهان.



